

# جمهوری اسلامی در بن بست جنگ

چیزی برای توده‌ها با رمغان نیاورده است. چنین بنظر می‌رسد، که این جنگ به پایان خود نزدیک می‌شود. کمیته‌ای که توسط کنفرانس طائف بمنظور میانجیگری میان دودولت ایران و عراق تشکیل شد، سپس از بقیه در صفحه ۱۷

با گذشت نزدیک به شش ماه از آغاز جنگ دولت‌های ایران و عراق، جنگی که تا با امروز جز هزاران کشته و زخمی، میلیون‌ها آواره گرسنه و بیکار روبیمار، ویرانی شهرها و مراکز مسکونی توده‌ها، نابودی بخش عظیمی از تاسیسات و صنایع، و سرانجام گرانی و بیکساری

## سخنرانی بنی صدر و تعمیق بحران قدرت

بدنیال سخنرانی بنی صدر در بغداد ظهر پنجشنبه ۱۴ اسفندماه و اینجا در درگیری شدید بین دسته‌های فالانزو و شرکت کنندگان در میتینگ و گارد ریشیسی جمهوری، مسائل سیاسی جامعه تحت الشعاع درگیریهای طرفداران رئیس جمهوری و حزب جمهوری اسلامی و ارگانهای تابعه آن قرار گرفت.

حمله بنی صدر به حزب جمهوری اسلامی، دولت و دیگر ارگانهای تحت نفوذ حزب که همراه با نشان دادن کارتها و سلاحهای گرم و سرد مصداق شده‌اند از چنان بود و دادن شعارهایی نظیر شعار "مرگ بسپر بهشتی"، "بهشتی طالقانی را تو کشتی" و "مرگ بر حزب" توسط جمعیت از یکسو و شعارفانانها نظیر "سپهسالار بنیوشه ایران شیلی همیشه" که مستقیماً بنی صدر را مورد حمله قرار میداد از سوی دیگر بیانگر حدت و شدت بیسابقه تضاد بین این دو جناح حاکم می‌باشد.

هرچند کشمکش و رقابت بین لیبرال‌ها و حزب جمهوری اسلامی برای کسب موقعیت برتر در دستگام دولتی با افت و خیزهایی همواره ادامه داشته است اما هیچگاه تا بدین درجه حدت و شدت نیافته بود.

عناصر وابسته به حزب و لیبرال‌ها آشکارا و بی‌پرده یکدیگر را مورد حمله قرار میدهند. پس از واقعه دانشگاه حزب جمهوری اسلامی طی بیانیهای ضمن حمله به رئیس جمهور، حمله چماقداران راصحه سازی و نمودساخته و منکر هر گونه رابطه‌ای بین حزب و چماقداران گشت. عناصر و شخصیت‌های وابسته به بقیه در صفحه ۲

### ● تجارت خارجی حاکمیت و اپورتونیستها

صفحه ۱۱

● لایحه بازسازی نیروهای  
انسانی وزارتخانه‌ها و موسسات  
دولتی گامی ضد انقلابی در جهت  
بازسازی نظام بوروکراتیک

صفحه ۱۶

### ● طرح فعالیت احزاب و ...

روی قانون سیاه ۱۳۱۰  
رضاخان را سفید کرد

سرانجام پس از ماهها بحث و گفتگو درباره قانون احزاب و گروهها، مجلس شورای اسلامی طرح تدوین شده توسط حزب جمهوری را مورد بررسی قرار داد. کلیات این طرح که در ۲۰ ماهه و دهها بند و تبصره تنظیم شده است در جلسه ۱۳ اسفند با ۱۲۹ رای موافق، ۴۱ رای مخالف و ۱۲ رای ممتنع بتصویب رسید. ما بدون اینکه به بندهندگان طرح بغایت ارتجاعی و ضد مردمی پرداخته بقیه در صفحه ۲

● نامه‌یک رفیق هوادار

جنایات هولناک  
رژیم جمهوری اسلامی

صفحه ۱۴

● سیاست فریب و دروغ  
دولت جمهوری اسلامی  
در مسئله آزادی  
جاسوسان آمریکایی

صفحه ۱۳

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا  
وپایگاه داخلیش

در این شماره

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- از میان نامه‌های کارگران
- از اعلامیه‌ها ... کارگران پیشرو





## اتحاد قدرتمند شوراهای سراسری صنعت نفت رژیم جمهوری اسلامی رابه وحشت انداخت!

مدیریت پالایشگاه اصفهان ارشاد تاکنون هر روز بیش از پیش به لکدمال کردن حقوق نفتگران پرداخته است. سنگ اندازی در راه شورای پالایشگاه، دشمنی آشکار با کارکنان مبارز و اخراج آنان، فشار بر نفتگران از طریق صدور بخشنامه های ضد کارگری، سوءاستفاده مالی و انتصاب افراد سرسپرده از جمله اقدامات رئیس پالایشگاه بشمار میرود.

بدنبال این حرکات ضد کارگری شورای عملیات فنی پالایشگاه اصفهان برای دادن گزارش کارشورا به کارکنان و تصمیم گیری در مورد رئیس پالایشگاه اعلام برگزاری مجمع عمومی در تاریخ ۵۹/۱۲/۴ می نماید.

شورا با دعوت از شوراهای عملیاتی پالایشگاه های تهران، تبریز و شیراز برای شرکت در مجمع، وحدت منافع و خواسته های طبقه کارگران در برابر عوامل و دولت سرمایه داری بنمایش میگذارد.

بقیه در صفحه ۴

## گزارشی از مبارزات کارگران اف.آی.سی

کارکنان شرکت اف.آی.سی (طرح توسعه تلفن تهران، حدود ۹۰۰ نفر) با مبارزه پیگیر و پربشور موفق به کسب حقوق عقب افتاده خود گشتند.

هیئت مدیره شرکت که در مقابل اتحاد کارگران و قدرت شورای واقعی آنها خود را در پیاده کردن تصمیمات ضد کارگریش ناتوان می بیند، به بهانه نداشتن پول حقوق کارگران را نپرداخته و شرکت را ترک میکند. شورا مسئله را پیگیری کرده و با شرکت مطالبات تماس میگیرد. مسئولین در برابر فشار شورا میگویند "تا چند روز دیگر حقوق کارگران داده میشود." اما با گذشت چند روز خبری نمیشود. کارگران که در تجارب میازاتی خود تاکنون بارها به ما هیت وعده های "بالایشها" و نیز بی نتیجه بودن اقداماتی چون مراجعه به وزارت کار، دفتر امام، دفتر رئیس جمهوری و... پی برده اند به "عمل مستقیم روی می آورند."

از دفتر مرکزی شرکت بسوی وزارت پست و تلگراف حرکت می کنند و بقیه در صفحه ۴



## جنبش کارگری

هزینه های زندگی، هنوز که هنوز است دولت حقوقهای عقب افتاده آنها را نپرداخته است. بارها و بارها چه آنها که در تهران بوده اند و چه کارگرانی که در شهرهای اوزبک می برند، به نخست وزیری مراجعه کرده اند تا حقوق معوقه خود را وصول کنند. اما هر بار با بی تفاوتی و بی اعتنائی مقامات نخست وزیری مواجه شده اند، و یا دولت با وعده وعده های پوшالی معمول خود آنها را سردوانده است. یکی از این کارگران اخراجی جنگ زده که صبح روز سه شنبه ۵ اسفند، همراه کارگران دیگر به نخست وزیری آمده بود، می گفت: "۵ ماه است که اخراج شده ایم، خب این جنگ شده و این همه بلا و بدبختی سرما آورده، پس میان نیست، ما که جنگ نخو استیم، ما چه کناهی داریم، چرا حقوقهای ما را نمی دهند، ما که پولدار نیستیم، و حساب پس انداز هم نداریم کسه بتوانیم از آن برداریم و نمان و گوشت گران بخریم و بخوریم، الان هم نه کاری داریم نه خانهای نه هیچی! چشم همدمان به هم می بینند حقوقهای عقب افتاده است، لااقل می توانیم تا وقتی که جنگ تمام نشود و یا دوباره کاری گیریم، کار هم گیر نمی آید، شکم خودمان وزن و بچه ما نراسیر کنیم، آخر این چسه وضعیه، این دولت عین خیالش نیست که ما بی پول هستیم، گرانیست، ما خرج داریم، چرا اینقدر ما را سر می دوانند و حق ما را نمی دهند؟"

## اعتصاب کارگران کوره بلند ذوب آهن اصفهان

آتشکاران کوره بلند روز ۲/۱۲ با طر خواسته هایشان که مدت چندین سال اعتصاب زدند و تخلیه کوره بلند را بمدت یک ساعت به تعویق انداختند آنها را با اعتصاب خود و زیران دولت سرمایه داری، احمدزاده، نعمت زاده و موسی خیرا مجبور کردند تا برای شنیدن خواسته هایشان در محل کار حضور یابند. وزیران در مقابل خواسته های برحق کارگران ذوب آهن صحبت های کردند که یکبار دیگر چهره رژیم جمهوری اسلامی را نزد کارگران افشاء نمود.

نعمت زاده وزیر صنایع و معادن می گفت: "فکر نکنید شما ما را مجبور کرده اید که اینجا بیاییم، ما خودمان در اصفهان کار داشتیم و به همین دلیل آمده ایم." آری از یک نظر او راست می گوید چون دردهای کارگران برای او و همکارانش اهمیتی ندارد.

موسی خیروزیر مشا و روسر پرسنت برنامه و بودجه می گفت: "حرفهای شما کارگران غیر منطقی است ما به حرفهای غیر منطقی شما گوش نمی دهیم." بله او نیز راست می گوید چون منطق کارگران با منطق سرمایه داران متفاوت است. در منطق آنها کارگران با یستی جان بکنند و شرکتهای مادی تولید کنند و بقیه در صفحه ۱۹

## کارگران نیروگاه اتمی اهواز خواهان حقوق خود هستند

مراجعه مکرر کارگران برکنار شده نیروگاه اتمی اهواز به نخست وزیری برای گرفتن حقوق عقب افتاده خود، همچنان از سوی دولت بی پاسخ ماند.

در پی بروز جنگ ارجاعی بین دولت های ایران و عراق، علاوه بر کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از هموطنان زحمتکش مان، و آواره شدن ۱/۵ میلیون انسان بی گناه، کارگران و کارکنان زیادی بر اثر تعطیل کارخانه ها و موسسات مناطق جنگی، از کار بی کار شده اند. از این جمله کارگران نیروگاه اتمی اهوازند که از همان بدو جنگ، به علت تعطیل شدن نیروگاه، از کار اخراج شدند. این عده که عمدتاً از زحمتکشان خلق عرب خوزستان هستند، اکنون ۵ ماه است که بی کارند و علی رغم این همه گرانی

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود

## گزارشی از مبارزات...

بقیه از صفحه ۳  
خواهان ملاقات با وزیر (قندی) میشوند قندی پیغام میفرستد که: "نمایندگان خود را برای مذاکره بفرستید". اما نمایندگان شورا قبول نمیکنند و برای کارکنان توضیح میدهند که: "آنها همیشه دروغ میگویند و هیچوقت بسته کسی قول و قرار درست نمیدهند. این بار نیز قصد دارند به ما وعده وعیدهای بی اساس بدهند و لازم میدانیم این وعده وعیدها در جمع همه ما داده شود. قندی که ما نند تمام سرمایه داران و عوام لشکر از جمع و تشکل کارگران وحشت دارد از حضور در بین کارگران خودداری می نماید. کارگران نیز در جلوی دروزارتخانه به کنترول و شناسایی خروج افراد می پردازند تا مبادا قندی بگیرد."

در این زمان پاسداران سرمایه ژ-۳ بدست وارد میدان میشوند. لیکن صف متحد، عزم راسخ و استواری پولادین کارگران آنها را به عقب می نشاند. در برابر مبارزه کارگران و تصمیم قاطع آنها در کسب حقوق حقه خویش "بالائشیا" چاره ای جز عقب نشینی نمی یابند. "داراب" نماینده وزیر و مسئول مخبرات در شرکت اف. آی. سی بمیان کارگران می آید. وی پس از صحبت هایی قول میدهد که تا سه روز دیگر حقوق کارگران پرداخت شود. با اخره کارگران موفق میشوند که سه حقوق یکماه خود را بگیرند. آنها با هدایت شورای خویش تصمیم میگیرند که کار را شروع کرده و همچنان خواستهایشان را دنبال نمایند. پس از آن شورا با اتکاء به نیروی کارگران و بسی پیگیری خود ۲ میلیون تومان از چنگ مسئولین مخبرات برای راه اندازی شرکت بدرمی آورد. پولی که در حقیقت قسمتی از دسترنج خود کارگران است.

با شروع کار مدیریت از طرف مخبرات برای شرکت انتخاب میشود و در اولین گام نظیر تمام عوام مل سرمایه داری افزودن بر استثمار کارگران را نشانه میرود. در جلسه ای با سرپرستان به آنها میگوید "بازدهی کار را با لایبرید". اما عده ای از سرپرستان صدکارگر طرح میکنند "نمایندها مانع پیشرفت کار هستند. اگر آنها سرکار با شدند ما نمیتوانیم قول دهیم که بازدهی کار را با لایبریم." توطئه جدیدمدیر سرپرستان ضد کارگر بر علیه شورا و اتحاد کارگران شکل میگیرد. مدیرعامل دوتن از نمایندگان شورا را معلق میکنند. کارگران با اطلاع از این مسئله شدیداً بخشم آمده و چون سیل خروشان بحرکت درمی آیند. روز پنجشنبه ۱۹/۱۵ دست از کار کشیده، در اداره مرکزی اجتماع کرده و خواستار حضور مدیر در مجمع عمومی

## جنبش کارگری

میشوند. مدیر بعد از مدتی اطلاعیه ای صادر میکند: "کسی حق ندارد بدون اجازه سرپرستان در دفتر مرکزی جمع شود". کارگران آنرا به تمسخر گرفته و فریاد میزنند "اطلاعیه شماره ۱۰۱ - فرمانداری نظامی شرکت! مدیر مجبور میشود که در جمع کارگران حضور یابد. آنها به معلق کردن دونهای پاره شده قسمت کابل شدیداً اعتراض کرده و میگویند "اگر نمایندگان ما کنار نکنند ما هم کار نمیکنیم". مدیر ملتسمانه از آنها میخواهد که اجازه دهند تا آخر ماه دونهای پاره شده در قسمت دیگری مشغول کار باشند.

کارگران مبارز شرکت اف. آی. سی تاکنون در جریان مبارزاتشان تنها به نیروی اتحاد در زمند خویش در شورای وقعی شان متکی بوده اند. آنها همچنان با تمام توان این سنگر مبارزاتی خویش را در شرایط کنونی حفظ کرده و به پیش خواهند راند.

\* مبارزه کارگران اف. آی. سی برای خواستهای برجشان همچنان ادامه یافت. در تاریخ ۱۱/۲۷ مجمع عمومی کارگران تشکیل میشود. در این مجمع آنها ضمن حمایت مجدد از نمایندگان واقعی خود و پشتیبانی از شورای انقلابی قطعنامه ای صادر میکنند در قسمتی از آن آمده است:

- روشن شدن وضعیت ۳ ماهه حقوق معوقه.
- روشن شدن وضعیت عیدی و پاداش.
- کلیه وسائل ایمنی کار باید در اختیار کارکنان قرار گیرد.
- تشکیل مجمع عمومی در آخر هر ماه.
- نظارت نمایندگان بر درآمد شرکت از طریق کنترول و هزینه.
- نمایندگان حق نظارت کامل بر کلیه امور شرکت را داشته باشند.

## اتحاد قدرتمند شوراها سراسری صنعت نفت...

بقیه از صفحه ۳  
مدیران وابسته که با برگزاری مجمع و در مقابل قدرت مصمم نفتگران موقعیت خود را در خطر می بینند، به دست و پا می افتند. به دولت حامی خود توسل جسته و با مقامات استان تماس میگیرند. ارگانهای دولتی بر علیه زحمتکشان بکار می افتند. دستگاہهای تبلیغاتی رژیم چون رادیو و تلویزیون سمپاشی را علیه نفتگران آغاز میکنند. ارگانهای سرکوب نیز وارد میدان شده و پالایشگاه به محاصره

نیروهای مسلح رژیم درمی آید. در پالایشگاه بسته شده و از ورود نمایندگان شوراها، تهران، تبریز و شیراز به پالایشگاه اصفهان جلوگیری می نمایند. نمایندگان شورای پالایشگاه اصفهان در پیگیری این قضیه با مسئولین مختلف دولتی تماس میگیرند. نماینده دادستانی آنها میخواهد که مجمع عمومی را تشکیل ندهند. نمایندگان میگویند بشرطی حاضر به اینکار هستند که استان اصفهان دلیل این امر را در پالایشگاه و در حضور خبرنگاران توضیح دهند.

بالاخره نمایندگان شوراها، سراسری صنعت نفت به اتفاق "داودی" استان اصفهان و "بزرگی" نماینده دادستانی جلسه ای تشکیل میدهند. در این جلسه استاندار به خواست نفتگران پاسخ مشخصی نداده و با طفره رفتن جلسه را ترک میکند.

بدنبال آن نمایندگان از کارکنان پالایشگاه میخواهند که در جلوی در پالایشگاه و در پارکینگ اجتماع نمایند. در این جمع آنها مسائل پیش آمده را با کارگران در میان میگذارند. بالاخره ضمن تاکید بر تشکیل مجمع عمومی و نقش آن در بالابردن آگاهی کارگران، قطعنامه ای صادر کرده و تصمیم نهایی را بعد موقوف می کنند. در بخشهایی از قطعنامه میگویند: "مبارزان ما آمده است که:

- \* ما خواهان تصحیح و پاکسازی انقلابی در سطح صنعت نفت، بخصوص در پالایشگاه اصفهان با شرکت نمایندگان منتخب کارکنان میباشیم.
- \* ما به کلیه ارگانهای مسئول و انقلابی هشدار میدهم که چنانچه تا تاریخ ۱۵/۱۲/۵۹ قدامی در جهت تصفیه مدیریت پالایشگاه اصفهان ننمایند خود را سزاوار اقدامات لازم را انجام خواهیم داد.
- \* خواستار اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر شوراها، صنعت نفت در جهت تداوم بخشیدن به انقلاب اسلامی میباشیم.
- \* خواستار تصفیه انقلابی اعیان و انصار رئیس فعلی پالایشگاه و منصوبین تحمیلی ایشان با نظارت شورا هستیم.

\* خواستار تدوین سریع مقررات پرسنلی جدید صنعت نفت با نظر خواهی از نمایندگان شوراها، صنعت نفت و نهادها تغییر سیستم اداری وزارت نفت میباشیم.

\* شورای انقلابی صنعت نفت با پشتیبانی قاطع نفتگران قهرمان، ارتباط با یکدیگر، پیگیری مبارزه ای بی مان و با اقدام و عمل مستقیم خویش بدون شک خواهند توانست در جهت بدست آوردن این خواستها و دیگر خواستهای کارگران گامهای انقلابی به پیش بردارند.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگری شتاز مبارزات  
ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

آورده بودند. دلیل مهمترحمعی و یکی رجه نبودن مبارزه، نبودن اتحاد بین کارگران و نداشتن شکل واقعی بود. با وجودیکه ما چه بصورت فردی و چه با جمع آوری طومار به اخراج همکارانمان اعتراض کردیم ولی بدلیل اینکه نمایندگان سندیکا پشتیبان منافع ما نیستند. مبارزات ما نتوانست شکل متحدویکیارجه بخودبگیرد. برای جلوگیری از اخراجهای بعدی و دفاع از منافعمان در مقابل سرمایه داران و حاکمان آنها نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنیم.

\* \* \*

### شرکت واحد اتوبوسرانی

شرکت واحد اتوبوسرانی: کارگران پیشرو شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در اسفندماه تاکنون ۱۲ اعلامیه پخش نموده اند. در یکی از آنها ضمن افشای "محبوب" مدیرفنی این موسسه در تاکید بر تشکیل مجمع عمومی گفته اند:

"مجمع عمومی کارگران یکانه مجمع تصمیم گیرنده و قضاوت کننده است که در آن:

- عناصرا زشکارا افشاء شده و نمایندگان واقعی کارگران شناخته می شوند.

- مدیران ضدکارگران زمین شود و شوطنه ها و سوسپاشی های گوناگون آنها بی اثر میشود.

- برصمیمیت و اتحاد بین کارگران افزوده و آنها را هرچه بیشتر به حقوق خود آشنا می کند.

- فاصله میان شورا و کارگران را از بین برده و کارگران از نزدیک ناظر به کار شورا خواهد بود، و از آنچه در شرکت می گذرد با خبری شوند.

\* \* \*

در اعلامیه دیگری این کارگران که در رابطه با اعتصاب حق طلبانه زحمتکشان شرکت واحد انتقاد ریافته است به افشای ما هیبت ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی پرداخته و خواسته ها و نیتها فریادهای برحق آنان را به گوش تما می کارگران و زحمتکشان برسانند. در قسمتی از این اعلامیه آمده است که:

"آنها بیشتر ما نه اعتما ب کنندگان را آمریکا نی و ضدانقلابی و شرکست و احدرالانها ساواک خطاب نمودند.

اکنون ما می پرسیم: آمریکا نی ضد انقلابی ما هستیم که جلوه گرگونه اجاف و زورگویی مقاومت می کنیم، یا آنها شیکه کارگران و زحمتکشان و کلیه کسانی را که دفاع از کارگری نمایند به زندانها انداخته با ترور می کنند و اکنون هم تعدادی از کارگران واحد را بحرم دفاع از حقوق خود بزندانها انداخته اند؟"

\* \* \* عقبه در صفحه ۶



از: اعلامیه ها، تراکتها و نشریات

## کارگران پیشرو

افشاء کرده و خواهان دوروز تعطیل در هفته شدند. در بخشهایی از این اعلامیه می خوانیم که:

"مگر کارگرانی نبود که می گفتند استراحت بیشتر بر خوردار باشند؟! ما می پرسیم آیا با لای بردن ساعات کار و حذف تعطیلی پنجشنبه ها برای ما استراحت است؟"

"ما بخوبی میدانیم که نمایندگان سازشکار شورا در حرف خود را حاکمی ما می زنند ولی در عمل همیشه از سرمایه داران و دولت حاکمی آنها حمایت می کنند. حذف تعطیلی پنجشنبه ها خود گویای این حقیقت است، پس بکشیم با تعطیل کردن کار در روز پنجشنبه عوام قریب بینی نمایندگان سازشکار شورا را افشاء کنیم چون دوروز تعطیل در هفته حق مسلم ما است."

\* \* \*

### کارخانه بایر

در اعلامیه ای تحت عنوان "جراموفق نشدیم همکاران اخراجیمان را به سرکار بازگردانیم" کارگران پیشرو این کارخانه به بررسی مختصر مبارزات کارگران برای بازگرداندن کارگران اخراجی پرداخته و خواهان انتخاب نمایندگان واقعی خود شده اند. در قسمتی از این اعلامیه آمده است که:

"با نگاهی به مبارزات ۶۰ روزه کارگران اخراجی و اعتراضات پراکنده، ما با دیدن نیم کسسه چرا مبارزات ما در کارخانه نتوانست به مبارزه جمعی تبدیل شود و همکاران ما به کارخانه بازگردند.

یکی از دلایل آن جو خفا و تهدید به اخراج بود که مدیریست و عواملس در کارخانه بوجود

### اصفهان

کارگران پیشرو ذوب آهن اصفهان در رابطه با ۳۰۰ نفر کارآموزانی که بعد از اتمام دوره کارآموزی خود به قسمتهای مختلف کارخانه، و "جهاد" جهت کار معرفی شده اند اعلامیه ای منتشر نموده اند، که ضمن طرح مشکلات و خواسته هایان به حمایت از آنسان پرداخته اند. در بخشی از این اعلامیه آمده است که:

"هم اکنون کارآموزان را که جهت بدست آوردن خواسته هایان مبارزه می کنند از کارخانه به استناداری و از استناداری به کارخانه گسیل می دارند. استناداری اصفهان آنها را اخراج کرده و با مدزیرا که آنها می گویند با وجود این همه گرانی و فشار طاقت فرسائی را که بر دوش کارگران و زحمتکشان وارد می آید حقوق ۱۵۰۰ الی ۱۴۰۰ تومان حتی کفاف خرج نان خالی را هم نمیدهند. دولسمردان آنها را اخراج کرده و با مندوزیرا که آنها ن تضمین شغلی می باشند زیرا که آنها به بیارنی با زحمتکشان دست اندر کاران اعتراض می کنند. زیرا که آنها خواهان دریافت ۳ ماه حقوق عقب افتاده خود می باشند.

استاندار اصفهان که یکی از مپره های حکومت جمهوری اسلامی است بدین علت آنها را اخراج کرده و می نامد که بتوانند جلومبارزات آنها را جهت تحقق خواسته های برحقشان بگیرد و هر وقت لازم دید اخراجشان نماید.

\* \* \*

### تهران

کارخانه بنزخا ور - در این ماه کارگران پیشرو کارخانه در اعلامیه ای یکی از نمایندگان سازشکار شورا را

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم





"با دیدکوشیم تا کارگران این روزنامه را مال خودشان بدانند"

از کلیه کارگران ایران می خواهیم که همچون خیرنگاران کارگری در نامه های خود حتی جزئی ترین مسائلی و مشکلات مبارزاتی، نظیر شکل گیری شوراها، برگزاری مجمع عمومی و... به علاوه بیان خواسته ها، نظریات و احساسات کارگران در مورد مسائل گوناگون جامعه، کارخانه و غیره را برای ما بفرستند. برای ما بنویسید که کارگران چگونه در برخورد با مسائل گوناگون پی به ماهیت دشمنان نشان برده و به صفوف کارگران آگاه و پیشرو می پیوندند. به همراه اینها مسلما توضیح موارد زیر در نامه های شما از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود.

- ۱- وضع مالکیت کارخانه - دولتی یا خصوصی - نام صاحب کارخانه یا مدیر
- ۲- نوع تولید کارخانه و حدود میزان آن و تعداد کارگران مزدور
- ۳- وضع انجمن اسلامی و شورای کارخانه - اگر وجود دارد - و مختصری از حرکت گذشته آنها تا به امروز

نوشته زیر متن نامه ایست که یکی از کارگران روز مزد برای ما فرستاده و خواستار درج آن در کارگاه شده است از آنجا که مسائل مطروحه در این نامه گریبانگیر اکثر کارگران کارگاهی نیز می باشد، آنرا در نشریه منعکس می نمایم. این نامه نشان می دهد که در رژیم سرمایه داری چگونه سرمایه داران استثمار می کنند، ارگانهای مسلح سرکوب می کنند و قانون از آنها حمایت می نماید. اما کارگران باید بدانند که برای مبارزه با آنان چاره ای جز اتحاد، تشکیلات و مبارزه ندارند.

### "کارگاهها بر سر خواستن دو ماه پیش خود را کاراخراج می شوند"

"در یک شرکتی مشغول بکار هستیم. نام شرکت (B-5) است. کارگاهها بصورت روز مزد کار می کنند. تعدادی از آنها حدود ۳ ماه است حقوق نگرفتند. صبح است. کارگران جمع شده اند. صحبت از اعتصاب به میان می آید. آنها می گویند اول باید حقوق گذشته خود را بگیریم بعد مشغول بکار شویم. کم کاری شروع می شود. تعداد ۳ نفر بنا در این کارگاه کار می کنند. آنها فامیلی

سرپرست هستند. اینها جلوگیری می گیرند... ساعت ۱۰ شد کم کاری به چشم می خورد. مهندس با موتور داخل می شود. کارگاهها جلوا ورا می گیرند و به او چنین می گویند: جناب مهندس ما پول نداریم. بیشترمان مستاجر هستیم. خرجی زن و بچه نداریم. گریه ما شنیدند. مهندس به ما حقوق بده. مهندس که قبلا نیز چندبار رقول داده بود ما این بار نیز شروع به یافتن آسمان و ریسمان می کند. ولی با اراده محکم کارگران روبرو می شود و به آنها قول می دهد تا ۲ ساعت بعد حقوق بدهند. او به دفتر می رود. به شریک دیگرش تلفن می زند و در عوض پول، از او می خواهد با چند نفر از گردن گلفتهاش بیایند. ساعتی می گذرد. مهندس بزرگ با یک شخص دیگر وارد می شوند.

ساعت ۱ است از آنها خوردن می آیم مهندس یک نفر از کارگران را صدا می کند و به او می گوید: پول می خواهید بایداخراج شوید و به وسط کارگاه آمده می گوید ما پول نداریم هر کس پول می خواهد بایداخراج شود. ۴ نفر را اخراج می کنند. چک مدت دار به آنها می دهند. در جلوی درب بیرونی قیبل و قال بالا می رود. اسکورت مهندس که فردی جوان و قوی هیکل بود ما ننشیدار با باننش دست به چاقو و پنجه بوکس می برد. یکی از کارگران او را می گیرد. به کارگر دیگر مهندس که یک مزرده قالی تاق است تنه می زند و چون کارگران نظرجسمی ضعیف بوده و شیره جانش را این مزدوران مکیده اند در کنار ماشین به زمین می خورد. کارگر دیگری بیل را بر میدارد و با مهندس در می افتد. فرد دیگری با بیل یکی به کمر مهندس می زند در این هنگام پلیس می رسد و کارگرهای درگیر را دستگیر می نماید.

رفیق کارگر در قسمتی دیگر از راه ما ش توضیح می دهد که پس از دستگیری کارگران در داخل پاسدارخانه چه گذشت. او می گوید: "ما را مدت سی در همان پاسدارخانه پلیس نگاه داشتند تا مهندسه با ماشین شخصی رسیدند. آنها از پاسدارها تشکر نمودند. ما را از آن پاسدارخانه که توام با فحش و اینه نور هل دادن بود به کمیته دیگر فرستادند. در بین راه شخصی که لباس نظامی برتن داشت و اورکت آمریکائی پوشیده بود به ما گفت: "... اینقدر پررو شده اید که به صاحب شرکت "تو" می گوئید، یک بلایی سرتان بیاید و می بینیم که در خواب هم ندیده باشید. خلاصه بعد از همه اینها، چند روز نوبزه مدت چکها افزوده می شود. کمیته چی ها می گفتند اختیا ر شما در دست صاحب شرکت است. هر موقع بخواهد می تواند شما را اخراج کند.

"یکی از هواداران که از سالگی تا بحال در زیرستم ربا بستان و سرمایه داران بوده است."

### از اعلامیه و...

## شرکت نو سازی هلیکوپترهای ایران

بقیه از صفحه ۵  
کارکنان پیشرو این شرکت در تراکتی با عنوان "اخراج: عیدی مدیریت به کارگران روز مزد" گفته اند: "در شرایطی که بحران در جامعه پیدا می کند و غول گرانی و بیکاری هر روز فشا ر بیشتر می برد و زحمتکشسان میهنمان وارد می آورد، مدیریت شرکت به بهانه کمبود بودجه اعلام نموده که تا عید کارگران روز مزد اخراج خواهند شد. او بدین ترتیب بهترین عیدی را در آستانه سال جدید برای کارگران زحمتکش شرکت به ارمغان آورده است... در حالیکه مدیران لیبرال با حقوق ۲۰ هزار تومان و سران انجمن اسلامی بدون انجام کاری تنها به توطئه علیه کارکنان مشغولند و به بهانه کمبود بودجه فریبی بیش نیست. مدیریت سرسپرده با این عمل خویش یکبار دیگر ما هیت کثیف نظام سرمایه داری را بیش از پیش به نمایش گذارد..."

### قزوین

کارگران پیشرو قزوین در اعلامیه ای ضمن تاکید بر تشکیل هیئت های تحقیق گفته اند:

"در شرایط کنونی که گرانی، بیکاری، کمبود ما یحنا جوارزاق عمومی و غیره... از هر سوزندگی ما زحمتکشان را تهدید می کند، سرمایه داران وقت را غنیمت شمرده برای درهم شکستن مبارزات و اتحاد ما تهدید به اخراج و تعطیل کارخانه می نمایند... برای مقابله با توطئه های کارفرما و رسیدن به خواسته های برحقمان راه دیگری جز حرکت انقلابی وجود ندارد. این حرکت انقلابی، ایجاد هیئت های تحقیق بمنظور بررسی علل اخراج کارگران، تعطیل کارخانه و جلوگیری از دیگر اقدامات ضد کارگری کارفرما بیان می باشد. مهمترین وظایف هیئت تحقیق عبارتند از:

- ۱- جلوگیری از اخراج کارگران بعنوان مهمترین وظیفه.
- ۲- بررسی میزان و چگونگی تهیه مواد خام بمنظور جلوگیری از تعطیل کارخانه توسط کارفرما.
- ۳- کاهش ساعات کار کارگران، بمنظور استفاده کارگران بیکار.
- ۴- از آنجا که در شرایط کنونی سرمایه داران به بهانه های گوناگون... سعی در کاهش دستمزد کارگران دارند، هیئتهای تحقیق باید دزدیها و کلاهبرداریها سرمایه داران، سودهای کلان کارخانه و افزایش حقوق و مزایای مدیران و کارمندان عالی رتبه را افشا نمایند.

# گزارشی از : مبارزات کارگران جنرال مورتورز

روزیکنشبه ۱۱/۱۹ عده ای از طرف رادیو تلویزیون برای مصاحبه در مورد سودویژه به کارخانه جنرال مورتورز میروند. آنها با دوتن از اعضای شورای فرمایشی و یک نفر از اعضای انجمن اسلامی مصاحبه می نمایند. عضو انجمن در مصاحبه خود میگوید: "این روزها ضد انقلاب سود ویژه را مطرح میکند. بنظر من در این زمان که ما در حال جنگ هستیم همین دو ماه عیدی و پاداش که دولت تعیین کرده خوب است". خبرگفتگوی اوبه سرعت برق در کارخانه می پیچید. کارگران که تاکنون بارها دروغ پردازیها، تهمت های بیشرمانه، عوامفریبی و... دستگاه های تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی اعم از رادیو تلویزیون و روزنامه ها با دیدن این تبلیغات به نیت "مصاحبه" پی میبرند. آنها در می یابند که حاکمیت قصد دارد با پخش این مصاحبه حرف های چند نفر ضد کارگران را بستره به رژیم را بجای حرف کارگران جازده و بدین ترتیب کارگران را موافق تصمیم خود در مورد سودویژه نشان دهد. اما آنها از آنجا که به قانون شورای انقلاب در مورد سودویژه اعتراض دارند، بشدت بخشم آمده و مانع خروج خبرنگاران میشوند. آنها میگویند "بایدنوار را به ما بدهید تا ما ببینیم چه حرفهائی از طرف ما زده شده است. و یا بیاید با ما نیز مصاحبه کنید و...". و بالاخره با ایستادگی نوار را از خبرنگاران گرفته و قرار میگذاردند که آنرا بشنوند. فردای آنروز کارگران به ابتکار خویش مجمع عمومی تشکیل میدهند. در جلسه مجمع سیل سئوالات به سمت انجمن اسلامی، مدیریت و شورا فرمایشی سرزیر شده و کارگران به افشای آنها میپردازند. کارگسری خطاب به انجمن فریاد میزنند "شما ساواک درست کرده اید یا انجمن اسلامی؟ چرا نمیبین کارکنین؟... یکی دیگر از کارگران ادامه میدهد "روز ۲۲ دیماه ۲۲ نفر از طرف انجمن اسلامی بسیج شده اند و آنها بدون اینکه کارت ساعت خود را بزنند با یک سرویس از کارخانه خارج شده اند و معلوم نیست به کجا رفته اند؟" بدنبال صحبت بقیه کارگران خیلی زود مشخص میشود که این افراد بوسیله انجمن اسلامی برای سرکوب تظاهرات نیروهای انقلابی برده شده اند. کارگری به یکی از آنها میگوید "رفتید جلو دانشگاه بهتون چماق دادند؟ کارگران متحداً به محکوم کردن این عمل پرداخته و معترضان میگویند "چرا کارخانه به آنها سرویس داده؟ چرا کارت ساعت نزدند؟... رئیس انجمن گیج و منگ میگوید "اگر در

نوار مذکور عضو انجمن از طرف انجمن یا کارگران صحبت کرده باشد او را تنبیه می کنیم...". اما در مقابل آگاه های کارگران دیگر فریبکاران را نمیتوانند کار ساز باشد. جوبله آنچنان با لاگرفته که افراد سازشکار خود را مخفی میکنند. بالاخره یکی از نمایندگان سازشکار رمجسور میشود که صحبت کند. ولی با شروع اولین کلماتش که بونی از منافع کارگران در آن نیست، کارگران او را هو کرده و مانع صحبتش میشوند. مدیریت مورد حمله قرار میگیرد. مدیر میگوید خود را بیگناه نشان دهد. با اشاره به قانون سودویژه مصوبه شورای انقلاب و مضای بنی صدر میگوید "من طبق قانون عمل کرده ام". کارگری جواب میدهد "چطور ما وقتی میگوئیم که طبق قانون شما با بد ۳ روز پول استراحت مریض را که بیمه میدهد بماند بدهید شما قبول نمیکنید، ولی حالا قانون را به رخ ما میکشید؟" دیگری ادامه میدهد "ما در قدیم هر طور شده بود ۴ ماه سود می گرفتیم. بعد از انقلاب خیال میکردیم که وضع ما بهتر میشود...". سئوالات و صحبت های افشاءگران به کارگران ادامه می یابد. مدیر چنان در فشار قرار گرفته که میگوید "خوب اگر ناراضی هستید من استعفا میدهم". کارگران یکبار چپه فریاد می آورند: "استعفا بده". جلسه همچنان ادامه می یابد و از این پس صحبت های پراکنده ای صورت میگیرد و بالاخره کارگران با شنیدن سخنان بدون گرفتن نتیجه ای جلسه را بتدریج ترک می کنند. روز سه شنبه یکماه حقوق بعنوان سود ویژه (یکماه نیز در شهر بوم را گرفته بودند) به کارگران پرداخت میشود و با وجود ناراضی حرکت مبارزاتی آنها افت میکند. بدنبال آن انجمن اسلامی و اعضای ضدکارگسری با همراه مدیر لیبیرال برای مقابله با مبارزات کارگران تصمیم میگیرند تعدادی از کارگران آگاه و مبارزان را اخراج نمایند. آنها ۳ تن از کارگران را اخراج می کنند تا به خیال خود مانع ادامه مبارزه کارگران شوند. اما این عمل ضدکارگری اعتراض کارگران را به همراه می آورد. کارگران میگویند "اگر اینها اخراج شوند با این گرانوی بیکاری چطور خرج زن و بچه هایشان را در بیاورند و یا: "مگر اینها چه گفتند؟ فردا هر کسی حرف کارگران بزند اخراجش میکنند یا دوباره مثل سابق شده و...". کارگران اخراجی میگویند "با بد ما را در حضور کارگران محاکمه کنید و اگر آنها رای دادند ما از این کارخانه خواهیم رفت". لیکن مدیر، انجمن و نمایندگان ضدکارگسری که موقعیت خود را در خطر می بینند از اینکار

تاکنون خوداری کرده اند. مبارزه کارگران اخراجی برای بازگشت به سرکار همچنان ادامه دارد. کارگران و نیروهای "پیشرو" در جریان هر مبارزه خویش به تجارب جدیدی دست می یابند. آنها از این راه با پی بردن به اشکالات حرکت خود آگاه تر شده و آبدیده میگردند. این تجارب را در مبارزات جدید کارگرفته و از این راه به جلوگام برداشته و خود را برای نبرد قطعی با سرمایه داران و دولتشان آماده میسازند. مبارزه کارگران جنرال مورتورز نیز برای آنها و سایر همزمان نشسان درسهایی بهمراه داشت. آنها یکبار دیگر به ضرورت داشتن شورایی انقلابی در این شرایط پی بردند. کارگران جنرال مورتورز در اعتراض به کم بودن سودویژه موفق میشوند که متحداً مجمع عمومی تشکیل دهند. در مجمع بدرستی مدیران، انجمن اسلامی و نمایندگان ضدکارگسری افشاء نمایند. اما این صحبت ها غالباً پراکنده بوده و به نتیجه واحدی نمیرسند. تعدادی از کارگران آگاه بدون توجه به خواست عمده کارگران یعنی سودویژه تنها "انحلال شورای فرمایشی" را مطرح میکنند که نتوانست موفق باشد. هر نیرویی که بدون توجه به زمینه عینی مناسب و خواست مشخص کارگران نخواهد تنها خواست "خودش" را مطرح کند، بیشک راه بجائی نخواهد برد. دیگر کارگران پیشرو نیز نتوانستند صحبت های کارگران را در جهت خواست عمده کارگران یعنی سودویژه هدایت کرده و به نتیجه گیری مشخصی در این مورد برسند. به همین جهت با گذشت مدتی کارگران بتدریج جلسه را ترک می کنند. کارگران پیشرو میتوانستند با جهت دادن به افشاءگریها و بحثها در جهت سودویژه کارگران را به گرفتن تصمیم واحدی هدایت کنند. آنها قادر بودند برای گرفتن سودویژه حتی ایسده انتخابات شورای جدید را بمیسان کارگران برده و با تشکل دیگری نظیر "هیئت تحقیق" برای دست یابی بدان تشکیل دهند. اکنون در شرایط فعلی کارگران پیشرو با بدیه حمایت از کارگران اخراجی پرداخته و آنرا وسیعاً در میان کارگران تبلیغ نمایند. آنها باید اعتراضات فردی کارگران را به حرکت جمعی بدل کرده و برای بازگرداندن اخراجیها بکوشند. آنها باید در هر گام لزوم تشکل واقعی کارگران را مطرح ساخته و از این راه کارگران را در سمت تشکیل شورایی انقلابی سوق دهند.

\*\*\*\*\*

## دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

## یادداشت‌هایی از : کارخانه فیلور

طبقه کارگران ایران در چند سال اخیر تجارب مبارزاتی فراوانی آموخته است این تجارب را طبقه کارگران کمانال شرکت در اعتصابات، تظاهرات خیابانی، قیام و غیره... کس کرده است یکی از شیوه‌ها شیوه عمدتاً بعد از قیام به آموزش متقابل کارگران کمک فراوان کرده است. تشکیل مجامع عمومی است. در مجامع عمومی کارگران مسائل خود را به بحث می‌گذارند، شرکت وسیع کارگران در این بحث و جدل‌ها، باعث ایجاد ارتباط سیاسی بیستری میان کارگران می‌شود. و به ارتقاء آگاهی سیاسی آنان کمک می‌کند آنها در جریان شرکت در مجامع عمومی در می‌یابند که یافتن هر راه حل موثر، برای کسب حقوق خود، تنها با تکیه بر عمل انقلابی تسوده کارگران میسر است. آنها در عمل نمایندگان واقعی خود را می‌شناسند و به ماهیت نمایندگان سازشکار شورای کارخانه پی می‌برند و دیگر فریب وعده و وعیدهای این نمایندگان را نمی‌خورند. آنها در عمل به ماهیت قوانین سرمایه داری و طبقات حاکمه پی می‌برند و در این مسیر است که شکوفه‌های پربار فردا جوانه می‌زنند گزارش زیر از یادداشت‌های یک رفیق کارگر است که از کارخانه فیلور برای ما فرستاده است.

این سومین مجمع عمومی در طول این دو هفته بود، در دو مجمع عمومی گذشته کارگران نمایندگان سازشکار خود را افشا کردند. آنها توانستند یکی از خواسته‌های خود را به نمایندگان شورا و هیئت مدیره کارخانه بقبولانند -

کارگران در این دو مجمع عمومی از ضرورت ایجاد شورای انقلابی و نظارت و دخالت کارگری صحبت می‌کردند. آنها خواستار پرداخت ۲۵ میلیون تومان سود کارخانه در سال ۵۸ بودند. کارگران قاطعانه پرداخت سود ویژه را بر اساس سود سال جاری مطالبه می‌کردند. ساعت ۱۰ دومین جلسه مجمع عمومی شروع شد. کارگران و کارمندان دوشیفت در جلسه حضور داشتند. ابتدا یکی از نمایندگان شورا صحبت ما را آغاز کرد: "ما توانستیم با وزیر کار تماس بگیریم اما وزیر وقت آمدن به کارخانه را نداشت لذا معاون ارتباطات تشریف آوردند."

معاون وزیر این پا و آن پا شد، به کارگرها نگاه می‌کرد و حرف می‌خورد. انگار داشتی خنجر به شکم فرو می‌کردی و گفت "من نیامده ام تا جواب مسائل شما بدهم."

ز مزمه اعتراض کارگران با لاکر فته از هر سو این صدا بلند شد: ۲۵ میلیون تومان متعلق به ما است، سود ویژه را بیلید بپردازید.

معاون وزیر گفت "وزارت کار رهبری قوانین است و نمی‌تواند قوانین جدید وضع کند یا بیدار نید که ما در فکر شما هستیم، باید طرق قانونی آنرا پیدا کنیم، تا این طریق پیدا نشود تا مجلس شورای اسلامی آنرا تصویب نکند ما قدرت پرداخت آنرا نداریم"

کارگری در جواب وی می‌گوید: "این ۲۵ میلیون تومان حاصل یک سال جان کندن ما است این پول شیره جان ما است، حاصل دسترچ ما است، تازه اگر قانونی نبود چرا ما لیاقتش را کم کرده‌اند؟" دیگری ادامه می‌دهد: "حالا که قانون ندارد ما جلوی خروج یخچال را می‌گیریم تا قانون پیدا کند."

کارگر دیگری پشت تریبون رفت "وقتی می‌خواهند پول ما را بپردازند نکند می‌گویند قانونش نیست اما دو سال است که حق ما را خورده‌اند و قانونش وجود دارد. آقای معاون وزیر شما در دما را می‌فهمید؟ روزی ۶۵ تومان حقوق می‌گیریم، نصف آنرا با بیدار چه آن سوراخی که من با سرعاً ثله در آنجا زندگی می‌کنم بدهم اگر یک کیلو گوشت بخرم ۵ تومان با بیدریش بگذارم. اگر برنج بخرم دو کیلو بیشتر نمی‌شود آیا گران شدن اجناس قانون دارد؟ چرا حقوق ما یکسال ثابت مانده است حقوق هر فرد با بیدار روی میزان احتیاج او تعیین شود."

کارگر دیگری اجازه صحبت می‌گیرد "در دو سال حکومت جمهوری اسلامی باز هم بر ثروت سرمایه داران و تجار بازاری اضافه شده است به سرمایه داران بزرگ فرصت داده شده که تتمه سرمایه شان را به پول تبدیل کنند و بخارج بفرستند کذا ما کارخانه را دولت از دست گرفته است سرمایه داران گرفته است که ورشکسته نبوده است اما بهینیم حکومت جمهوری اسلامی با کارگران چه کرده است؟ دو سال است که ما بر سر سود ویژه کلنجار می‌رویم. گفتند این سود ویژه کلکی بوده که سرمایه داران زمان شاه زده‌اند. ما هم قبول کردیم. اما حالا چرا نمی‌آیند سود حقیقی را به ما بدهند؟ معاون وزیر با حالتی خشمگین در مانده سر جایش ایستاده بود. کارش می‌زدی خوش در نمیا مد. می‌خواست حرف بزند، اما کلمه برای گفتن پیدا نمی‌کرد، لبانش را داغ با عصا نیت گساز می‌گرفت.

با لخره آقای معاون وزیر این پا و

آن پا شد و گفت "من ساعت ۲ در وزارت کار با بیدر یک جلسه شرکت کنم و با بیدروم. این پول اگر پرداخت نمی‌شود می‌پردازند. صدای اعتراض کارگران با لاکر فته نظم جلسه بهم خورد. معاون وزیر در حال در رفتن بود. همه کارگران یکصدا می‌گفتند "نگذارید فرار کند، فرار نکن و ایستا جواب بده" اما معاون وزیر با همکارانش با بیدگان سازشکار شورا از در بفل فرار کرد.

برای چند دقیقه جلسه متشنج شد، یکی از کارگران پشت تریبون رفت و گفت "با همه نمی‌توانیم تصمیم بگیریم موضوع اصلی این است که ما الان چه می‌توانیم بکنیم تا به خواسته‌های خود برسیم طبق قرار قبلی همه موافقت کرده بودند که مانع خروج تولید بشویم، آیا الان هم کارگران بر این تصمیم هستند؟ همه کارگران با لاکر فتن دست خسود اعلام موافقت میکنند."

کارگر دیگری سخنرانی می‌کند: جلوی خروج تولید را گرفتن یک مسئله است. اما همه نمی‌توانیم، هر روز اینجا جمع بشویم و مجمع عمومی تشکیل بدهیم یا بدهی‌تشی تشکیل بدهیم تا تحقیق کند مواد اولیه از کجا می‌آید؟ چقدر مواد موجود است؟ آیا مورمالی کارخانه چگونه است؟ سود و منفعت کارخانه در سال جاری چقدر است؟ وضع براداران کارگر ما در کارخانه‌ها دیگر چگونه است؟ همه کارگران موافقاند.

سپس برای تشکیل این هیئت نمایندگان از قسمت‌های مختلف کارخانه انتخاب شدند. بدین ترتیب کارگران با تشکیل هیئت تحقیق یک گام دیگر جلوتر برداشتند. هیئت تحقیق با نمایندگان شورا مذاکره می‌کنند. به شورا مهلت می‌دهند که اگر تا روز شنبه به خواسته‌های کارگران پاسخ ندهند کارگران متحداً مانع خروج تولید خواهند شد.

آری آنروز کارگران تجربه دیگری آموختند و با تشکیل هیئت تحقیق خود را برای مبارزه متحد و یکپارچه آماده کردند.

**در تکثیر  
و توزیع  
آثار سازمان  
بکوشید**

**سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد**



قسمت چهارم بقیه از شماره های ۹۴، ۹۸، ۹۹

# هیئت حاکمه و مسئله ارضی

## • ضوابط واگذاری

در این قانون بعکس قانون زمینداری کابینه بازرگان، تعریف مشخصی از "اشخاص حقیقی و حقوقی" که به آنها زمین واگذار میشود، بعمل آمده است. انگیزه محوری تصویب قانون قبلی تثبیت مالکیت خصوصی مالکان بر زمین و از این طریق مهار کردن جنبش های دهقانی بود. از اینرو از اشخاصی که به آنها زمین واگذار میگردد بعنوان "حقیقی و حقوقی" و "ساکنین محلی" نام برده میشود و پاره ایها می بر روی اقشار مختلف ساکنین محلی کشیده میشود. اما انگیزه اصلی این قانون جلوگیری از اقدامات خودسرانه "دهقانان و مصادره زمین و از این طریق حفظ حرمت مالکیت، میباشد. به این ترتیب الزاماً "ابهام قبلی در مورد اشخاص رفع شده و مشخصاً در واگذاری زمین، به روستائیان بدون زمین یا کم زمین" یعنی متحرکترین و انقلابی ترین قشر دهقانی در جنبش مصادره زمین، اولویت داده شده است. اما خیالپردازی خواهد بود اگر تصور شود که حتی با اجرای کامل این قانون (حتی بدون در نظر گرفتن حذفیات که اخیراً در مورد بندج و دال بعمل آمد)، کلیه روستائیان بدون زمین یا کم زمین به خرده مالکان (دهقانان میانه حال) تبدیل خواهند شد. زیرا: اولاً در قانون آمده است که "واگذاری بهره برداری از زمین برای مدت معین (چند سال) با توجه به شرایط خاص منطقه است و در صورت عملکرد مطلوب واگذاری زمین تمدید میشود". یعنی زمین فقط جهت بهره برداری و به طور موقتی در اختیار روستائیان قرار میگیرد. روستائیان ظرف مدت محدودی باید عمدتاً زمینهای موات و با برآگ در محل و یا نزدیک آن "به آنها واگذار میشود، با امکانات محدود و بصورتی مطلوب به سطح بهره برداری برسانند و در صورت عدم عملکرد مطلوب واگذاری زمین تمدید نمیشود. ما قبلاً در بررسی قانون زمینداری کابینه بازرگان، نتیجه پروسه ای که این دسته از دهقانان طی خواهند نمود، یعنی

پروسه تبدیل دهقانان به نیمه پرولتاریا و پرولتاریای شهروروستا را نشان دادیم. در اینجا نیز اکثر دهقانانی که زمینهای موات و با بهره آنها واگذار میشود به علت عدم امکانات کافی برای بهره برداری مطلوب از اراضی واگذار شده، پس از گذشت "مدت معین" واگذاری زمین به آنها تمدید نمیشود و عملاً در طی این مدت معین در پروسه استحاله به نیمه پرولتاریا و پرولتاریای شهروروستا قرار میگیرند. ثانیاً "مدت اعتبار سند واگذاری آن دسته از دهقانانی که عملکرد مطلوب در بهره برداری از زمین را هم داشته اند، لزوماً تمدید نمیشود. در آئین نامه اجرائی این قانون، تمدید واگذاری زمین، صرف نظر از عملکرد مطلوب، بشرط انجام کلیه تعهدات" و "سیاست کشاورزی جمهوری اسلامی ایران" پیش بینی شده است. گنجاندن شرط "انجام کلیه تعهدات" در تمدید واگذاری زمین، تمهیدی است که حکومت برای کنترل و در انقیاد قراردادن دهقانان به آن متوسل شده، و در راستای سیاست سرکوب جنبش های دهقانی قرار دارد. یعنی اینکه واگذاری زمین به آن دهقانانی که "خودسرانه" به اعمالی دست میزنند و به "تعهدات" خود در قبال جمهوری اسلامی که حکومت آن را تعیین میکند، پای بند نمی باشند، لغو میشود. ما در تحلیل از نقش هیات های هفت نفره در روستا به این موضوع برخوایم گشت. به هر حال، حتی عملکرد مطلوب و "انجام کلیه تعهدات" به تنهایی ضامن تمدید سندی نیستی باشد، بلکه "سیاست کشاورزی جمهوری اسلامی ایران" تعیین کننده است، و سیاست کشاورزی خود نتیجه برآیند قدرت هیات حاکمه و جنبش های دهقانی است، و یا در شرایطی، نتیجه نیاز سرمایه به نیروی کار و گسترش بازاری است. ثالثاً تذکراتی نکته ضروریست که اصولاً این عقیده که میتوان بطریقی کلیه روستائیان را به خرده بورژوا تبدیل کرد، لاطالاتی بیش نیست. اگر اولیین قانون مصوب شورای انقلاب و یا حتی طرح خرده بورژوازی رضا صفهانی نیز به اجرا درمی آمد، نمیتوانست به خرده مالک شدن کلیه روستائیان - طی یک دوره زمانی - بیانجامد. بالاخره در اثر نابرابریهای بهره دهی

زمین و امکانات متفاوت (حتی در صورت تقسیم زمین بطور مساوی) پروسه تجزیه دهقانی بصورتی عملی میشود. در ضوابط واگذاری زمین، بغیر از ضوابطی که فوقاً به آن اشاره شد، عوامل محدودکننده ای در مورد چگونگی گشت، داشت و برداشت نیز گنجانده شده است: "زمین بدون عذر موجه نباید معطل بماند." "باید عملکرد روی زمین گونه ای باشد که موجب تلافی زمین نشود." زمینهای واگذاری قابل انتقال نمیشود، مگر با اجازه دولت. ... و "گشت روی زمینها با توجه به نیازهای جامعه باشد." در صورتیکه گیرندگان زمین مرتکب تخلف از هر یک از تعهدات و یا مقررات قانون گردند، علاوه بر پرداخت خسارت وارده مکلف به رفع پیدا از ارضی و متعلقات آن میباشند" و غیره. این ضوابط عملاً قدرت تصمیم گیری در مورد اداره اراضی را از دهقانان سلب کرده و آنها را در پروسه کشاورزی به نیمه پرولتاریا تبدیل میکند. اگرچه آنها را از نقطه نظر رابطه با وسایل تولید هم مانند دهقانان (خرده بورژوازی روستا) بحساب می آیند، لیکن "خود مختاری" نسبی را که دهقانان صاحب زمین در مورد چگونگی و نوع گشت از آن برخوردار است و تنها از طریق مکانیسم بازار امکان تولیدی در محل محدود میشود، فاقد بوده و کار فرمائی را - بصورت هیات های هفت نفره - در بالای سر خود می یابند. از اینرو جایگاه آنها با وجود "در اختیار داشتن قطعه ای زمین" تقریباً شبیه به پرولتاریای روستا میشود. این تضاد مادام که زمین در اختیار دهقان است، ولی اداره زمین بطور نسبی بر عهده ارگان دیگری است، تا هنگام تجزیه این قبیل دهقانان، ادامه می یابد. لیکن طی این پروسه، ارگانهای دولتی اقتدار خود را بر دهقانان، به ما نندکار فرمای رسمی، اعمال می کنند شریف زاده یکی از اعضای سازمان اصلاحات ارضی در رابطه با حل مسائل کشاورزی چنین عنوان میکند که "مثلاً به کشاورزان همدان اخطار کرده ایم که اگر ظرف ۵ روز ارضی خود را به زیر گشت نبرند تحت تعقیب قرار خواهند گرفت" و یا "بهر حال در این شرایط (منظور

بقیه در صفحه ۱۰

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

بقیه از صفحه ۹

شرایط جنگ است) ما فقط میتوانیم جلوی کم کاری کشاورزان ۰۰۰۰ را بگیریم" همچنین مسئول کمیته جهاد سازندگی افتخار دارد که اعلام نماید "از اقدامات دیگری که جهاد سازندگی ۰۰۰۰ انجام داده است اضافه کردن ساعات کار روزانه کشاورزان و افراد کمیته کشاورزی در مناطق گرمسیری است. ساعات کار روزانه در این مناطق از ۱۲ ساعت به ۱۶ ساعت افزایش یافته است". (نقل قولها از کیهان ۳۱ تا ۵۹) این اظهار نظرها خودگویا تر از آنست که احتیاج به تحلیل داشته باشد. ارگانهای دولتی بمشابه کارفرمای واقعی روستا "جلوی کم کاری کشاورزان را میگیرند، در صورت تخلف آنها را تحت تعقیب قرار میدهند و ساعات کار را برای افزایش بازدهی، اضافه میکنند. از اینروست که ما گفتیم جایگاه دهقانان در سازمان اجتماعی کار تقریباً "شبه به پرولتاریا" است.

### هیئت مسئول واگذاری زمین

در قانون واگذاری اراضی که در زمان "دولت موقت" از تصویب شورای انقلاب گذشت، وزارت کشاورزی مسئول اجرای طرح بود. "مرجع صدور اجازة واگذاری موقت و اظهار نظر در مورد انجام طرح" را کمیسیون مرکب از نمایندگان شورای دهستان، شورای کشاورزی شهرستان و وزارت کشاورزی و عمران روستایی، بعهده داشت که تحت نظارت وزارت کشاورزی با انجام امور محوله می پرداخت اما در این قانون مسئولیت اجرای قانون بعهده ستادی مرکزی در تهران (مرکب از نمایندگان تام الاختیار که عبارتند از احکام شرع و ولی امر، ۲- وزارت کشاورزی، ۳- دادگستری، ۴- وزارت کشور، ۵- جهاد سازندگی) تفویض شده است. مسئولیت انجام امور قانون از قبیل واگذاری زمین، تشخیص صلاحیت و... به یک هیات ۷ نفره در هر منطقه (مرکب از: ۱- دونفر نماینده وزارت کشاورزی ۲- یک نفر نماینده وزارت کشور یا استانداری محل ۳- یک نفر نماینده جهاد سازندگی ۴- یک نفر نماینده حاکم شرع و ولی امر و دونفر نماینده مردم ده به تائید نماینده حاکم شرع) واگذار شده است.

در طرح جدید، ستاد مرکزی (ارگان ترکیبی از جناح های هیات حاکمه جایگزین وزارت کشاورزی شده و هیات های هفت نفره جایگزین کمیسیون" با این تفاوت که نقش و اهمیت هیات های هفت نفره در اینجا بسیار آزرده "قانون واگذاری اراضی" براتسب افزایش یافته و در واقع فعال مایشاء روستا بحساب می آیند. وظایفی که در حیطه عمل شورا های دهقانی قرار دارد به ارگان "ازبالا ساخته شده" سپرده شده است. حتی دونفر نماینده مردم ده وقتی بعنوان نماینده محسوب میشوند که حاکم شرع نمایندگی آنها را تأیید کرده باشد، وگرنه نماینده مردم ده نیستند محدود کردن حق انتخاب نماینده و نادیده گرفتن شورا های دهقانی و

## هیئت حاکمه و مسئله ارضی

سپردن انجام امور به هیاتی از بالادراستی همان سیاست سرکوب جنبش دهقانی و جلوگیری از اقدامات خودسرانه آنها (یعنی) صادره زمین، تشکیل شورا و... میباشد بر طبق قانون واگذاری زمین وظایف گوناگون در حیطه عمل هیات های هفت نفره قرار گرفته است. به چند نمونه از این وظایف توجه کنید: "حل و فصل قضایای مورد نزاع مربوط به اجرای این قانون"، "واگذاری زمین با توجه به مواد این لایحه"، "تشخیص صلاحیت و میزان استفاده از اموال و امکانات کشاورزی در طول اجرای این قانون" و همچنین "واگذاری زمین (بر اساس تشخیص هیات) میتواند بصورت شرکت و تعاونی و یا فردی باشد."

بدین ترتیب، هیات مسائل مورد نزاع را حل میکند، به روستائیان زمین میدهد، در مورد چگونگی اداره زمین تصمیم گیری میکند، صلاحیت و میزان استفاده از اموال را مشخص میکند و... در یک کلام، هیات، بنظر روستا را درست گرفته و نقش ژاندارم و مباشر دولت را در آنجا انجام میدهد.

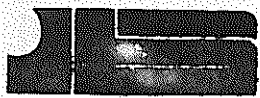
وظیفه این هیات ها فقط محدود به کشاورزانی که به آنها زمین واگذار میشود نیست، بلکه عملاً کلیه امور مربوط به کشاورزان را کنترل کرده و بر کار آنها نظارت میکنند. در کیهان ۳۱ تا ۵۹ آمده است که "هیات های ۷ نفره واگذاری زمین طی اطلاعیه های گوناگون کشاورزان مناطق مختلف خواسته اند که هر چه زودتر کشت باغها را شروع کنند هیات های ۷ نفری واگذاری زمین در اطلاعیه هایشان متذکر شده اند که بلا استفاده گذاشتن اراضی قابل کشت با شیزه در مناطقی مانند آذربایجان غربی و فارس و سایر مناطق جرم محسوب میشود و کشاورزان باید هر چه زودتر با تهیه بذر گندم آبی، زمینهای قابل کشت را بکارند."

در عین حال، هیات های ۷ نفره هنوز از انجام کافی برخورداری ندارند. ترکیب کنونی این هیات ها بصورتی است که نه تنها در داخل هر هیات کم و بیش نا هماهنگی های وجود دارد، بلکه مهمتر آن که عملکرد هیات های مختلف در مناطق مختلف یکسان نیست. در اینجا و آنجا اقداماتی بر له دهقانان و بر ضد زمینداری بزرگ از طرف برخی از این هیات ها صورت گرفته است (مثلاً در شهسوار) این گونه اقدامات بود که وزیر کشاورزی کنونی را بر آن داشت تا بر "دقت عملکرد" برادران هیات ۷ نفره "و این که "خدای نا کرده اشکال و اشتباهی" از طرف آنها رخ ندهد، تأکید کند (جمهوری اسلامی، اول آبان ۵۹). با این حال، و با وجود عناصردفئودال و ضد زمینداری بزرگ در این هیات ها، عملکرد عمومی آنها نمیتواند در چهارچوب

سیاستهای ارضی جمهوری اسلامی نباشد. نمونه بارزی از این امر میتواند با لغاء واگذاری ارضی مالکان (حذف بندج ودال) نشان داد. اکنون هیات ها موظفند که از محدوده ارضی مالکین حفاظت کنند، حتی اگر عناصری از درون هیات ها، این نقش ژاندارمی خود را نپذیرفته باشند، بدین ترتیب این هیات ها با تمام نا هماهنگی هایش، هم اکنون نیز (کم و بیش) نقش ژاندارم- مبارز دولتی را بر عهده دارند، و این نقش پس از طی مراحل که عناصری از آن کناره میگیرند و یا تمفیه میشوند، بصورت مشخص تر و منسجم تری بسازر میشود.

بدینسان پس از گذشت ۲۴ ماه از استقرار جمهوری اسلامی، مساله زمین همچنان باقی است. هیات حاکمه در تمام طول این مدت عملاً جز دفاع از منافع مالکان و سرکوب جنبشهای دهقانی قدم از قدم برنداشته است. اگر هیات حاکمه در مقطعی از زمان، تحت فشار از پایین و تضادهای درونی خود به دادن امتیازاتی موقتی و محدود پرداخت، در شرایط مناسب زمانی دیگری و قبل از آنکه این امتیازات بمرحله اجرا درآیند، به مواضع اصلی خود بازمیگردد.

در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی، هیات حاکمه با صدور فتواها اعلامیه ها و دستورات عملی خود در مورد "قانونی نبودن و شرعی نبودن اقدامات دهقانان در سلب مالکیت از زمینداران، به دفاع از حقوق مالکان پرداخت. لایحه زمینداری ایزدی که از تصویب شورای انقلاب نیز گذشت، مکمل اقدامات قبلی حاکمیت بود. لیکن این لایحه از ابتدا به وسیله جنبش مصادره زمین، عملاً مهربا طل خورده بود. سپس در گریودار مبارزات با اصطلاح "ضد مهربا لیستی" هیات حاکمه (که اکنون با آزادی گروگانها، تسب آن فرونشست!) و طرد "دولت موقت" بازرگان و در شرایط اوج گیری مبارزات توده ها و در اینجا گسترش و تعمیق مبارزات دهقانی، خرده بورژوازی - درون حاکمیت بنمایندگی رضا صفهانی مبهوت از جا روینجا لهای حاکمیت، به تدوین طرح خرده بورژوازی اصلاحات ارضی پرداخت. تنها در این زمان است که یک موج وسیع تبلیغاتی درباره "بهبود وضعیت دهقانان"، تقسیم زمین و محدودیت مالکیت بر زمین آغاز میشود. اما این موج تنها در گفتارها و مصاحبه های مطبوعاتی بروز کرد. سرانجام، لایحه خرده بورژوازی، در شورای انقلاب و پس از تعدیلهای، بتصویب رسید. ولی قبل از آنکه به مرحله اجرا درآید و یا حتی انعکاس خارجی پیدا کند، دوباره در شورا ی انقلاب مورد تجدیدنظر قرار گرفت. و "شیر خرده بورژوازی" که در نشست اول شورای انقلاب دست و پای خود را از دست داده بود، در نشست های بعدی یال و دم و لشکر را نیز بر باد داد! لایحه اول فقط بمدت ۲۰ روز بر روی کاغذ رسمیت



# تجارت خارجی، حاکمیت و اپورتونیست‌ها

وزارت بازرگانی قرار گیرد "ومیزان در اول دیماه تحت عنوان "آقای رجائی آیا ملی کردن بازرگانی خارجی را فراموش کرده ایدویا...؟" می‌نویسد " اصل ۴۴ قانون اساسی که صراحت در ملی شدن بازرگانی خارجی دارد یکی از انقلابی‌ترین اصول اساسی بشمار می‌رود..."

لیبرال‌ها حتی تا آنجا پیش می‌روند که جهت کنترل هر چه بیشتر رقیب خواهان گسترش دولتی شدن بازرگانی به حیطة تجارت داخلی نیز می‌باشند مثلاً بنی‌صدر نظر لیبرال‌ها این چنین خلاصه می‌کند "تا زمانی که موفق نشویم بازرگانی داخلی و خارجی را تغییر دهیم و از دست توزیع کنندگان در بیاریم... مشکلی حل نخواهد شد (کمیته ۶/۱۵) و یا روزنامه میزان مینویسد "انتزاعی تلقی نمودن بازرگانی خارجی بازرگانی داخلی... عملی ناصواب و با روح حاکم بر قانون اساسی مغایر است (میزان اول دیماه ۵۹). روشن است که علاوه بر دولتی شدن بازرگانی خارجی به دست گیری بازرگانی داخلی توسط دولت نیز مورد نظر لیبرال‌ها است و برای این خواسته خود نیز دلیل بسیار ساده و "قانع کننده‌ای" دارند زیرا "اگر قرار بر این باشد که فقط تجارت خارجی ملی شده و دولت توزیع را بعهده بگیرد، کاری است که به نفع تجارت خواهد بود. چرا که برای واردکننده خیلی را احترا خواهد بود که دولت بسا سختی کالا را خریداری و تا مرز حمل کند و تجار هم با تحویل گرفتن کالا سرمرز و احتکار و سایر شرکدها به نفع سرشار خود دست یابند (کیهان ۱۰/۱۷) اما در عوض حزب جمهوری اسلامی از بدو تصویب این طرح به مقابله با آن برخاسته و در غایت امر تمام می‌کوشد خود را بر تفسیر و تغییر آن در جهت منافع "تجار و بازاریان محترم" (یا بقول آیت الله خمینی ستونهای ستبر اسلام و انقلاب) نهادده است. حزب جمهوری بخصوصی تمام می‌سعی‌اش برای این است که حتی در صورت دولتی شدن تجارت خارجی (البته با خرج و تعدیل های مورد نظر) بهیچوجه به حیطة قدرت تجار داخل مملکت تعرضی صورت نگیرد زیرا و نیز میداند که در شرایط فعلی حداقل در برخی موارد "برای واردکننده خیلی را احترا خواهد بود که با سختی (!) کالا را خریداری و تا مرز حمل کند و تجار نیز با تحویل گرفتن کالا سرمرز و احتکار و سایر شرکدها به نفع سرشار خود دست یابند".

برای آشنائی با نظریات حزب در این مورد به قطعنامه "سمینار اقتصادی شورای هماهنگی اصناف" حزب جمهوری اسلامی به تاریخ ۱۱ تیرماه ۵۹ مراجعه می‌کنیم در بند ۵ این قطعنامه میخوانیم: "وزارت بازرگانی که مسئول... در اختیار گرفتن بازرگانی خارجی است، باید توجه داشته باشد که قبل از تشکیل سازمانهای عریض و طویل بایده سعی

سوی تا حدودی بحران تعدیل میگردد. از سوی دیگر جناح رقیب از نظراقتصادی و اعمال کنترل بر گسترش سرمایه تضعیف و خلع ید میگردد (در بخش خصوصی) در عین حال بخش صنعتی خواهد توانست. فارغ البال از گریه رقصانهای بخش خصوصی تجاری با سود بردن از "بیت‌المال" هر چه سریعتر چرخهای زنگ زده و تولید وابسته خود را به گردش درآورد. این جناح در شرایط فعلی حتی با کمال میل حاضر است دولتی شدن را تا حدی به بخش تجارت داخلی نیز تعمیم دهد تا سهم "هر چه کمتر نصیب رقیب خود گرداند."

۳ - مسلم است که جناح بورژوازی تجاری تا حد امکان در مقابل این حرکت پایداری خواهد کرد و حتی المقدور سعی می‌کنند در عین تقویت بخش خصوصی تجاری، در صورت عدم امکان گریز از دولتی شدن تجارت خارجی این عمل را با همکاری بخش خصوصی و بصورت تلفیقی از دو بخش بسرانجام رسانند. تمامی شواهد و قرائن موجود که چند نمونه آن را در زیر می‌آوریم در تائید نظریات قرار داده اند.

\* \* \*

مساله دولتی کردن تجارت خارجی اولین بار توسط بنی‌صدر در مجلس خبرگان عنوان شد و با "پیگیری" وی! در قانون اساسی گنجانده شد. پس از جدال فراوان بر سر چگونگی شیوه اجرای آن در ۲۲/۲/۵۹ به تصویب شورای انقلاب رسید و بعد از تدوین آئین نامه اجرائی آن با لایحه در تیرماه ۹۵ مورد تائید هیئت وزیران قرار گرفت. و با لایحه در ۲۷ مرداد یعنی بیش از ۹ ماه پیش از تصویب قانون اساسی وزیر بازرگانی وقت در مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت: "تجارت خارجی در مورد فلزات، کاغذ، چوب، منسوجات و الیاف ملی شد و سه مرکز تهیه و توزیع کالا، واردات و توزیع فلزات... را بعهده میگیرند" (انقلاب اسلامی ۲۸ مرداد) این مساله نیز عملاً معسوق ماند تا اکنون که اصل "ملی شدن تجارت خارجی" در مجلس مورد بحث قرار گرفته است.

در تمامی مقاطع این کش و قوسها لیبرال‌ها مداوماً "خواستار" اجرای دقیق "این اصل گشته اند از جمله انقلاب اسلامی ۸ شهریور ماه می‌نویسد اجرای دقیق اصلی ملی کردن تجارت خارجی که از انقلابی‌ترین اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد به مفهوم واقعی آن بایستی در سر لوحه برنامه ۶ کار مسئولین

اپورتونیست‌ها بار دیگر مساله دولتی شدن تجارت خارجی، که با دروغ و فریب به اسم "ملی شدن تجارت خارجی" به خورد مردم داده میشود طرح گشته است. علت اصلی طرح دوباره این مساله در مقطع کنونی، فشار شدید گران و تورم لجام گسیخته‌ای است که در اثر احتکار بازاریان و سرمایه داران دامن خورده و شدت یافته و می‌رود تا توده‌های تحت ستم را در روی حاکمیت قرار دهد. به این علت است که حاکمیت بورژوازی و اپورتونیست‌های جیره خوارش تمام سعی خود را بکار می‌برند تا شدیدیتوانند با سراب "ملی شدن تجارت خارجی" مدتی دیگر نیز خلق را بفریبند.

ما در نبرد خلق شماره ۱ گفتیم که "هنگامیکه جامعه با یک بحران حاد روبرو است برای نجات سرمایه داران پاره‌ای از صنایع یا موسسات دیگر بخش خصوصی دولتی می‌شوند" و افزودیم که "قبل از هر چیزی باید در نظر داشت که در شرایط تسلط مناسبات سرمایه داری وابسته، بخش دولتی اقتصاد چیزی جز سرمایه داری وابسته نیست که دقیقاً در خدمت بورژوازی است" ما همچنین در شماره ۷۵ گفتیم: "در شرایط حفظ مناسبات سرمایه داری وابسته صحبت از "ملی کردن" بازرگانی خارجی حرفی بچوچ است که در نهایت در خدمت بورژوازی بوروکراتها، سرمایه داران خصوصی و انحصارات امپریالیستی قرار میگیرد" هرگاه بخواهیم مساله را بشکلی روشن خلاصه کنیم میتوان گفت:

۱- در شرایط استقرار بحران اقتصادی رژیم حاکم جهت حفظ سیستم مجبور است بخشهایی از اقتصاد را بدست دولت بسپارد تا با نظارت و کنترل و ایجاد تمرکز بتوان بر ناسامانی‌ها فائق آمد. با یادگفت که مشخصاً بعلت بحران عدم وجود "منیت" کافی جهت سرمایه گذاری و همچنین کمبود متخصص، مواد اولیه، قطعات یدکی و... سرمایه‌های بسیاری از بخش تولیدی بسوی بخش تجاری که فعلاً مطمئن تر سودآورتر است جاری گشته است و این مساله خود عا ملی جهت تشدید بحران گشته که حل آن و برقراری تعادل لازم بین این دو بخش درگرو اعمال کنترل دولت میباشد. مساله طرح چنین مکانیزمهای تعدیل کننده‌ای بیشتر از سوی جناحی از حاکمیت که معتقد به هر "چه عقلایی" ترک کردن اقتصاد است صورت می‌پذیرد.

۲- در مورد تجارت خارجی مسلم است که در شرایط موجود جناح بورژوازی صنعتی پیشقدم و پیشگام "مبارزه" در جهت دولتی نمودن آن میباشد. زیرا با این عمل از

## پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



## کسوری در نتیجه عدالت! در جمهوری اسلامی

اجرای عدالت جمهوری اسلامی، جوان نوآفرینی را از بینایی محروم کرد. کمیته‌های مشهد، مستقر در اطراف حرم، چندی پیش یک نوآفرین دوره‌گرد را بجرم فروختن نوآر دستگیر کرده و به کمیته می‌برند. یک شب او را نگه‌میدارند و سحرگاه به شصت ضربه شلاق محکومش میکنند. اما هنگام خوابانیدن او برای اجرای حکم، چنان سرش را به سیمان می‌کوبند که جوان مزبور که ۲۲ سال سن دارد، دچار ضربه مغزی می‌شود و بینایی خود را از دست می‌دهد. کمیته‌چی‌ها وحشیانه حکم خود را اجرا می‌کنند و حتی سر و صورت جوان نیز مجروح می‌شود. این مجریان عدالت در جمهوری اسلامی ابعاد از شلاق زدن، جوان نوآفرین را بحال خودرها می‌کنند. خانواده او پس از مراجعات مکرر به کمیته و آیت الله شیرازی، نزد نماینده امام در مشهد می‌روند و می‌گویند: "اگر ما پسر شما را معالجه کنیم، گروهکها می‌گویند خودشان مجروح کردند، خودشان همه بیمارستان فرستادندش، شما یک هفته دیگر مراجعه کنید، ببینیم چه می‌شود!" پزشکانی که جوان مزبور را معالجه کردند نظر دادند که کوری او فقط در اثر وارد شدن ضربه شدید سرش بوده است.

بخاطر حفظ و بازسازی سیستم سرمایه‌داری و تامین منافع سرمایه‌داران، از جانب حاکمیت طرح شده است، اما تا حدی به احتکار و گرانفروشی و بحران اقتصادی لگام زده فشار فقر و گرانفروشی کم‌رشدن بر توده‌ها را تعدیل می‌کنند و حداکثر در محدوده رفرفرمی بورژوازی می‌کنند اما مسئله این است که پورتونیس‌ها در عین اینکه بدون نظر داشتن ماهیت دولت حاکم هرگونه دولتی شدن را گامی در جهت سوسیالیسم می‌بینند سعی دارند این عمل را نیز به عنوان راه حل مشکلات توده‌ها بعنوان اقدامی انقلابی جا بزنند (همانگونه که حزب توده در زمان شاه نیز او را به دولتی نمودن تشویق می‌کرد و بر اینگونه اعمالش صحنه می‌نهاد). اما پورتونیس‌ها هیچگاه نمی‌گویند و نمی‌نویسند که چه کسانی مخالف دولتی شدن تجارت خارجی اند. چه کسانی در این راه سنگ می‌اندازند "چه کسانی سعی دارند حتی این اصل را نیز تعدیل نمایند. پورتونیس‌ها هیچگاه نمی‌گویند که چگونه لیبرال‌ها در راه "ملی‌شدن" تجارت خارجی کوشش میکنند و حزب جلوی پایشان سنگ می‌اندازد. اما بهر صورت چه بگویند و چه نگویند روشن است که با ردیگر پورتونیس‌ها که "مادقانه" می‌کوشند تا می‌قدرت و توان خود را در مقابل لیبرال‌ها و در خدمت بخش رادیکال بورژوازی (به قول آنها خرده بورژوازی) قرار دهند در عمل در خدمت لیبرال‌ها قرار گرفته‌اند.

بپردازند. مگر اینکه بیایند در این مرکز (مرکز تهیه و توزیع ثبت نام کنند و...) (آزادگان ۲۸ مرداد) با این سیاست که البته عمدتاً در محدوده حرف باقی مانده است (نه سیخ بسوزد و نه کباب "تجار محترم و بازاریان نورچشمی حزب جمهوری اسلامی بسوزد معقول خود می‌رسند و در عین حال دولت با بدست گیری ۳۰٪ واردات این اجناس کنترل محدودی را بر نوسانات بازار اعمال می‌نماید. اما اینکه چرا قانون به این صورت در آمد؟ قای سوری مسئول اجرای قانون ملی‌شدن تجارت خارجی به بهترین نحوی بیان میدارد "ما از دو طرف مورد حمله قرار گرفته بودیم (!) ... ما همین‌شاه می‌خواستیم یک راهی انتخاب بکنیم که از یک طرف اقتصاد کشور نخواهد، بازاری نخواهد و از طرف دیگر واقعاً به تجارت خارجی نزدیک بشود. و به همین دلیل اصل ۴۴ قانون اساسی وقتی می‌خواست پیاده شود این قانون را به تمویب شورای انقلاب رساندیم." (آزادگان ۲۸ مرداد).

بهر صورت با چنین سیاست‌هایی تا به حال نه تنها بازاری نخواهد بلکه بازاریان محترم چهار رنعل بسوی کعبه مراد می‌تازند. شیوه طرح مسئله در مجلس شورای انیز (که با دیدن از پایان ماجرا به آن پرداخته شد) مویده‌ها و همین سیاست می‌باشد سپس در مجموع بسا دگر روشن گشت که حزب جمهوری اسلامی در جهت حفظ منافع تجار بازاری در مقابل دولتی شدن تجارت خارجی (و به خصوص داخلی) مقاومت می‌نماید و لیبرال‌ها بعنوان نمایندگان بورژوازی متوسط صنعتی در جهت تعدیل بحران و به راه اندازی هر چه سریعتر صنایع خود در پیشبرد این امر تلاش دارند. اما با دیدن در این میان اکثریتی های جناح راست و حزب توده رسالتشان را چگونه از پیش می‌برند پورتونیس‌ها همواره در حرف و در شعارها ایشان نه تنها دارای پزبسیار غلیظ ضد لیبرالی هستند و نه تنها می‌کوشند تا می‌نیروی خود را در جهت تقویت "جناح رادیکال" حاکمیت (یعنی حزب جمهوری اسلامی) قرار دهند بلکه تما می‌نیروها را نیز متهم به همکاری و تقویت لیبرال‌ها می‌نمایند ما با رها در نشریاتی که به روشنی ثابت کرده ایم که چگونه سیاستهای خیانت کارانه پورتونیس‌ها در عمل در خدمت تقویت لیبرال‌ها قرار می‌گیرد. در این مورد نیز باید دیگر مسئله را بررسی می‌کنیم.

همه بخوبی میدانند که اکثریتیهای جناح راست و حزب توده مداوماً فریاد می‌کشند که هر چه زودتر "تجارت خارجی را ملی کنید" و هر چه زودتر "اصل ۴۴ قانون اساسی را اجرا کنید" و حتی این شعارها را بر روی در و دیوار نیز می‌نویسند. آنها سعی دارند این عمل را بعنوان اقدامی انقلابی و تامین کننده منافع توده‌ها چابزنند. در این جا متذکر می‌شویم که ما هم مخالفی سیاست دولتی شدن تجارت و بازاریان را در خدمت خارجی‌ها ریم زیرا اگر چه این حرکت

## تجارت خارجی،

### حاکمیت و...

بقیه از صفحه ۱۱

کنند از طریق سیستم طبیعی موجود (سیستم سنتی بازاری) اصل مذکور را اجرا نماید. تاسیس یک سازمان جدید جز بزرگتر کردن غول بوروکراسی خاصیت دیگری ندارد و هرگز نمی‌تواند جایگزین یک سیستم طبیعی باشد. سپس حزب می‌کوشد عوام فریبانه با کمونیستی جلوه دادن ملی‌کردن تجارت خارجی لیبرال‌ها را از مشکلاتی که در این رابطه کشورهای سوسیالیستی با آن درگیرند، پرهیز دهد! و مینویسد "چنانچه در کشورهای سوسیالیستی یک سلسله مشکلات مربوط به مکنایم تجارت دولتی است... که معمولاً دولتیان دچار آن هستند ولی بخش خصوصی کمتر دچار آن می‌شود!"

تصور نمی‌رود دفاعی صریح و بی‌پرده تر از این از بازاریان و تجار و سرمایه‌داران تجاری ممکن و میسر باشد. حزب همچنین می‌گوید "هر جا وزارت بازرگانی... توانایی تهیه و عرضه ندارد... به بانکها و گمرکات تعلیمات لازم را در ایجاد تسهیلات بدهنده اینک با کارشکنی کارمندان، عمروسرمایه واردکننده تلف شود" و گاملا مشخص است چون به قول آقای بهزاد نبوی برای ورود کلیه کالاهای مورد نیاز سازمان موجود وزارت بازرگانی، توان انجام چنین کاری را ندارد (کیهان ۱۸ دیماه) چه بهتر از اینکه دولت با بهره‌گیری از سیستم سنتی بازاری اصل ملی‌کردن تجارت خارجی را اجرا نماید و توسط "بانکها و گمرکات" تسهیلات لازم جهت بخش خصوصی "یعنی سرمایه‌داران بخش تجاری را به بهترین نحوی فراهم آورد تا خدایا کرده! "عمر سرمایه" این "ستونهای انقلاب نشود. بهر صورت کساکش این جناح در زمینه بحران موجودیه تعادلی می‌رسد که میتوان آنرا "دولتی شدن نیمه بند" اقلام محدودی زکالاها در حرف "نام نهاد. دولت در ۲۸ مرداد اعلام می‌کند که "فلزات، چوب، کاغذ و منسوجات" از این پس دولتی می‌شود اما به این صورت که "۳۰٪ زکالاها ی وارد شده در دست تعانیها و بخش دولتی قرار می‌گیرد و با این وجود دیگر دلالتها (بخوانید تجار) نمی‌توانند اجناس را احتکار کنند و یا قیمت را بطور بی حساب بالا ببرند (قیمتها فقط باید با حساب با لبرود)... کسانیکه تا کنون این کالاهای را وارد می‌کردند از این پس نمیتوانند بر وند به بانک (قبلا شیوه ثبت سفارش و ورود کالاهای تجار بدینگونه بوده که تجار به بانک مراجعه و با ارائه پیش فاکتور گشایش اعتبار می‌کردند و بسته به اینکه تا چه حد از اعتبار بانکی برخوردار بودند بین ۱۰ الی ۱۰۰٪ از وجه مربوطه را نزد بانکها می‌سپردند تا پس از تخریص یا فروش کالای قبیه وجه مربوطه را به بانک

# سیاست فریب و دروغ دولت جمهوری اسلامی

## و مسئله آزادی جاسوسان آمریکائی

بقیه از شماره ۱۰۰

بگذریم از هدفهای سیاسی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی در ماجرای آزادی ۱۴۰ نفر که خود میخواستند دیگر نیست. طرح شتاب زده آزادی گروگانها در مجلس بلافاصله پس از آغاز جنگ ایران و عراق بعنوان علامت تجاری جزیره امپریالیسم آمریکا، سه ماهه و شرفیاب بیجائی بسته و روالدهایم به قصد ملاقاتهای پشت پرده در آمریکا، وسواسی مجلس و دولت جمهوری اسلامی در همکاری برای انتخاب مجدد کارتر به ریاست جمهوری آمریکا و تسلیم شدنهای مکرر و مستمر دولت در برابر دستورالعملها و التیما تومکا خفیدت ما حکایتی است تاریخی و مستند از سیاست سازشکارانه جمهوری اسلامی برای و جلب مراجع و عنایات امپریالیسم آمریکا بویژه در برخورد با مسئله فریب دولت رجائی در جریان مذاکره با آمریکا حتی کلمه ای درباره مبالغه عظیم مالی ضبط و توقیف شاه، و باز پس گرفتن آن بمیان نمیآورد. و در گزارش به مجلس درباره این بخش از مطالبات ایران بطور در بست سکوت اختیار میکند. در مصاحبه های مطبوعاتی، سران دولت جمهوری اسلامی حتی کلمه ای درباره بازپس گرفتن پولها و عواقب و سرانجام این کارها و قراردادهای اقتصادی - نظامی به میان نمیآورد، و یکجمله این پولها و قراردادهای و کالاهای توقیف و تصرف شده از سوی آمریکا و همدستانش به فراموشی سپرده میشود. و در سراسر مذاکره برای آزادی گروگانها کمترین کوششی برای لغو این قرار دادهای غارتگرانه و تحمیلی و تضمین بازپس گرفتن پول به غارت رفته قراردادهای اقتصادی - نظامی بعمل نمیآید.

نوبری مدیرکل بانک مرکزی در مصاحبه مطبوعاتی مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۹ بهمن به نکته تازه ای اشاره میکند: "طی ۱۴ ماه گذشته با نگرانی آمریکا ثابت بدیهیهای دولت و موسسات ایرانی مقصداری از دارائیهای ما را با مبالغی از بدهیها بمان آنها ترک کرده بودند. که این امر توسط مجلس شورای اسلامی رد شد. این بانکهها همچنین بدیهیهای بخش خصوصی را از حساب بانک مرکزی ایران برداشت کردند که این موضوع توسط مجلس شورای اسلامی ایران مورد قبول نیست".

بنا بر این توضیح روشن مدیرکل بانک مرکزی از ۱۴ ماه قبل بانکهای آمریکا بطوریکجا نهب شده

برداشتهای دلخواه از روی سپرده های ایران مبادرت میورزند. و حتی به حساب تسویه بدهکاریهای افراد و شرکتها و موسسات خصوصی، خودسرانه از موجودی دارائی دولت در بانکههای آمریکائی برداشت میگردد.

قابل پیش بینی است که، بسیاری از این بدهکاریهای متعلق به افراد و موسساتی نزدیک به روسما یه داران بزرگ وابسته دوران رژیم گذشته است. گردانندگان برنامه آزادی گروگانها بدون آنکه کمترین گزارشی درباره این برداشتهای خودسرانه بانکههای آمریکائی و هویت این دسته از افراد و موسسات و سرانجام این تاراج ثروتها ی ملی در اختیار مجلس مردم و افکار عمومی قرار دهند، بدون آنکه در جریان مذاکره برای آزادی گروگانها بر سر این تجا و زوایغماهای انحصارات مالی امپریالیسم مقاومت ورزند، تمکین به همه این غارت و بیغمای بانکههای آمریکائی را، بعنوان پیشروزی انقلابی دولت جمهوری اسلامی جلوه میدهند.

روزنامه میزان ارگان لیبرالها به تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۵۹ در تخطیل اقتصادی ما جرای آزادی گروگانها به این نکته اشاره میکند: "علاوه بر این هنوز تکلیف پرداخت غرامتهای ۴۷ بانک خارجی که با بانکههای خصوصی شریک بوده اند روشن نشده است".

این اشاره روزنامه میزان حکایت از آن دارد که، دولت جمهوری اسلامی گذشته از پرداخت سرمایه این بانکههای خارجی در پرداخت تاوان و غرامت به انحصارات مالی جهان بعنوان تاوان قیام بهمن و دولتی شدن بانکهها تمکین نموده است.

رجائی در گزارش به مجلس اظهار میدارد: "پیشنهاد دومی از طرف بانک مرکزی ایران داده شد... پیشنهاد دومی که مورد توجه قرار گرفت... بدین ترتیب بود که، با استرداد اصل وامها و بازپرداخت کلیه آنها به بانکهها و موسسات آمریکائی که طلبکار هستند، با آنها تسویه حساب نمائیم".

در این توضیح ارسائی کلام رجائی چنین استنباط میشود که پیشنهاد تسویه بدهیهای ایران یکی از سازشکارهای دولت جمهوری اسلامی است. نبوی در مصاحبه های مطبوعاتی پیش از آزادی گروگانها بدون نیا زبانه شکردهای کلامی گزارش نخست وزیر پیشنهادی پرداخت وامهای متعدد رژیم گذشته را در ردیف اینکارات انقلابی کمیسیون تحکیم ریاست خود منظور میکند.

دکتر نوربخش در مصاحبه مطبوعاتی خود اظهار میدارد: "در آمریکا سه موضوع برای حل این مسئله پیشنهاد گردید. اول اینکه این سپرده ها بصورت ثابت در بانکههای آمریکا باشد، یا اینکه... سپرده های ایران آزاد شود. ولی از سیستم بانکی آمریکا بیرون نیاید... ایران پیشنهاد سوم آمریکا را مبنی بر خروج ارزها از سیستم بانکی آمریکا به شرط پرداخت وامهای رژیم گذشته قبول کرد".

نوربخش به طور ناخواسته دروغهای نبوی و رجائی را در همان شماره کیهان افشاء میکند. ولی از ذکر این حقایق که بانکههای آمریکائی خودسرانه سپرده های ایران را به حساب تسویه بدهکاریهای افراد و موسسات خصوصی وابسته به رژیم گذشته صادر نموده اند شانه خالی میکند رجائی که تا لحظه پیش از آزادی گروگانها با تهدید به محاکمه آنها بر دریا فت همسه سپرده های مالی از ایران پیش از آزادی گروگانها پای میفشارد در گزارش به مجلس تصریح میکند که، تا رقم ۶/۲ میلیارد دلار دارائی ارزی ایران کماکان در گروبانکه های آمریکائی باقی خواهد ماند.

مستندات مورد اشاره روشن میکند که، این رقم عظیم در گرومانده با حساب سازمانهای از پیش معلوم که شواهدی از آن از جراید روز کشور استنادوارا نه شده است، توسط تراستهای مالی امپریالیستی به جیب زده شده است از هم اکنون سرنوشت این مبلغ ۶/۲ میلیارد دلار را با توقیف و عملیات صادره شده معلوم میگردد.

دولت رجائی با تعقیب سیاست تسلیم طلبانه و تمکین در برابر همه دستورالعملهای نامشروع امپریالیسم آمریکا مبلغ دریافتی ایران را به ۲/۷ میلیارد دلار محدود میسازد.

رجائی در توجیه تسلیم شدن دولت به تصمیم یکجانبه آمریکا در برداشتن نقدی بدهکاریهای رژیم شاه در گزارش به مجلس به نرخ بالای بهره و وامهای آمریکائی استناد میجوید. "دومین نتیجه مثبت اینکه ایران دیگر مجبور نیست کد بهره سنگین این گونه وامها را که تا ۲۲/۵٪ میرسد، پرداخت نماید. "و همین استدلال کرار در مصاحبه های سایر کارگردانان دولت تکرار میگردد.

بگذریم از اینکه مبلغ وام آمریکائی با بهره ۲۲/۵٪ بخش کوچکی از مجموعه وامهای چند میلیاردی رد دلاری رژیم گذشته است. نوبری مدیرکل بانک مرکزی

# مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست

● نامه یک رفیق هوادار

# جنايات هولناك رژيم جمهورى اسلامى

مسئله شکنجه، بازداشت‌های غیر قانونی، ترور نیروهای انقلابی، سازماندهی گروه‌های تروریست و چماق‌دار حزب الهی و دهها نمونه دیگر از اعمال ننگین، کثیف و ضدبشری رژیم جمهوری اسلامی، آنچنان ابعاد بی‌پایه‌ای یافته‌است که حتی در روزنامه‌های رژیم و مجلس شورای اسلامی نیز انعکاس یافته‌است. از خصوصیات رژیمهای ضدخلقی یعنی رژیمهایی که هیچگونه اعتماد و اعتقادی به توده‌های مردم ندارند اینست که سعی می‌کنند با توسل به ترور و سرکوب، اختناق و شکنجه، و اعمال وحشیانه دیگر پایه‌های حکومت متزلزل خود را استوار سازند. هرگز در تاریخ دیده نشده‌است که یک رژیم انقلابی و متکی به مردم دست به چنین اعمال ننگینی بزند. بنا بر این شیوه‌های سرکوب رژیم جمهوری اسلامی نیز کمترین تردیدی در ماهیت ضدخلقی و ارتجاعی این رژیم باقی نمیگذارد. هم‌اکنون هزاران تن از نیروهای انقلابی در سراسر ایران در زندانهای جمهوری اسلامی بسر می‌برند، روزی نمیگذرد که تعدادی از هواداران سازمانهای انقلابی و مترقی به زندان نیافتند. ربودن مردم از خیابانها و خانه‌هایشان بصورت یک امر عادی درآمده‌است. پاسداران رژیم جمهوری اسلامی درست همانند ما موران ساواک نیروهای انقلابی را در خیابانها شکار می‌کنند. ما موران کمیته‌ها یعنی همسازان و لگردها، چاقوکش‌ها، باج‌گیران گردن کلفت‌ها و اوباشان دوران رژیم شاه که اکنون در کمیته‌های رژیم جمهوری اسلامی متشکل شده‌اند، دست به هر جنایتی علیه توده‌ها می‌زنند، شبانه‌به‌خانه‌های نیروهای انقلابی یورش می‌برند، کتاب‌فروشیها را به آتش می‌کشند و بنا به حزب الهی به اجتماعات حمله می‌برند...

ربودن نیروهای انقلابی و ترور آنها نیز یکی دیگر از شیوه‌هایی است که رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با نیروهای انقلابی برگزیده‌است. ترور رفیق جها نگیر قلعه میانند آب یک نمونه آنست، و همچنین شایع‌است که تعداد دیگری از رفقای هوادار نیز ترور شده‌اند، که ما اطلاع موثقی در این مورد نداریم.

طبق اطلاعات موثقی که در سازمان موجود است طی چندماه گذشته نزدیک به ۶۰ نفر از هواداران سازمان مفقود شده‌اند هیچکس بدرستی نمیداند که بر سر آنها چه آمده‌است. اما با احتمال قوی این رفقای هوادار که بسیار در خیابانها دستگیر شده و یا از خانه‌هایشان ربوده شده‌اند، بدست دژخیمان رژیم

جمهوری اسلامی ترور شده‌اند. اطلاعات دیگری که به سازمان رسیده‌است حکایت از این دارد که رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با نیروهای انقلابی بیش از پیش به سازماندهی گروههای تروریست برای شناسائی و ترور اعضا و رهبران سازمانهای انقلابی متوسل شده‌است. سازماندهی این گروهها اساسا در دست حوزب جمهوری اسلامی است و اعضا این گروهها را اکثرا "افراد سپاه پاسداران و کمیته‌ها تشکیل میدهند. بنا بر این افشاء تمام این شیوه‌های سرکوبگرانه و ضدبشری رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش در دستور کار نیروهای انقلابی قرار می‌گیرد. ما از همه هواداران سازمان میخواهیم که ضمن افشای این جنایات رژیم هرگونه اطلاعات موثقی درباره موارد فوق الذکر دارند به سازمان ارائه دهند. در این شماره ما تا مه یک رفیق هوادار را که نشان دهنده جنایات هولناک رژیم جمهوری اسلامی است، درج می‌کنیم، تا ماهیت رژیمی که مدعی آزادی، بشردوستی، و مبارزه با امپریالیسم است هرچشمه بیشتر افشاء گردد. واقعیت اینست که این نامه مدتی پیش به سازمان رسیده اما مسائلی که در این نامه مطرح شده بود، گرچه تا کنون نیز نمونه‌های دیگری از آن دیده شده‌است بطرح آنچنان مسائل هولناکی می‌پردازد که سازمان را به تحقیق پیرامون این مسائل واداشت و اکنون که صحت این نوشته برای سازمان روشن شده‌است آنرا چاپ می‌کنیم:

## نامه یک رفیق هوادار

ساعت نزدیک پنج بود، در میدان انقلاب سوارا توپوس شدم. اتوبوس به ایستگاه مصدق رسید. پیاده شدم. با شتاب بطرف ایستگاه اتوبوس‌های تجریش دویدم تا زودتر برسم. نشریه‌ها - روزنامه‌ها را "و چند نشریه دیگر - از جیبم به زمین افتاد. دیدم دو نفر به من و نشریه‌ها نگاه میکردند، از چهره‌هایشان پیدا بود که فالانژ هستند. بی اعتنا نشریه‌ها را برداشتم و بطرف ایستگاه رفتم. سوارا توپوس تجریش شدم. اتوبوس که به خیابان تخت طاووس رسید، پیاده شدم و در ایستگاه ماندم تا اتوبوس ۷ برسد و بسروم. اتوبوس نیا آمد. پیاده راه افتادم تا در ایستگاه به بعد سوار شوم. پیکان مدل

جدید سفید رنگی جلو پایم توقف کرد: "آقا، لطفاً این آدرس کجاست" خواستم آدرس را بگویم. مردی که جلو نشسته بود گفت، لطفاً به عقبی‌ها بگو. در عقب با زشد. حس کردم حادثه‌ای دارد اتفاق می‌افتد. خون سردیم را حفظ کردم و خواستم به آنها آدرس را بگویم که ناگهان مرا به داخل پیکان کشیدند. چشم‌ها ییم را بستند و هنوز صدای اعتراض در گلویم بود که جلوه‌ها نم را گرفتند. فریاد زدم کمک، کمک. اما فریادم در دست‌هایی که جلوه‌ها نم را محکم گرفته بودند خفه شد. نیش چاقو را روی پشتم حس کردم. شاید بیست دقیقه‌ای طول کشید تا پیکان جایی توقف کرد. نمیدانستم کجاست. مرا پیاده کردند و بردند. فکر می‌کنم مرا به طبقه دوم یک آپارتمان بردند و مرا داخل اتاق کوچکی پرت کردند و به دست‌هایم دست بند زدند. در اتاق کوچک یک توالت فرنگی بود. نمی‌دیدم. با دستهای دستبند زده‌ام - حس کردم، نیم ساعت گذشت، آمدند و مرا به یک اتاق بزرگ بردند. چشم‌ها ییم را باز کردند تا قی بود شبیه یک سالن. ایضا رشکچه را دیدم. بیجان افتادند. زیر ضربه‌های مشت و لگد آنها بیحال شدم. از دماغ خون بیرون زد. پشت سر هم سؤال میکردند: "اسمت چیست" "فا میلست چیست" "اسم پدرت چیست" "شماره شناسنامه" "تحصیلات" "اعضاء خانواده" "آدرس منزل" و هر چه می‌گفتم بیادداشت می‌کردند.

مرا بطرف یک دستگاه آهنی بردند و روی آن ایستادند. دستگاه بطرف بالا و پایین حرکت کرد. یک کلاه آهنی آوردند. دور تا دور کلاه مثل تیغ تیز بود. کلاه را روی سرم گذاشتند و با پیچ آنرا تنظیم کردند. کلاه گشاد و تنگ می‌شد. آنرا قالب سرم کردند. مرا از دستگاه پائین آوردند. کلاه را برداشتند. سرم را با لاکر فتند و نسور افکنی را که به میله فلزی متحرکی بسته بود، مستقیم به چشم‌ها ییم انداختند. سرم گیج رفت. مرا به اتاق کوچکی برگردانند. نمیدانم چند ساعت گذشت. دوباره آمدند و مرا به سالن شکنجه بردند. مرا بطرف دیوار کشیدند. نزدیکانی با قاصه کم‌بسته دیوار تکیه داشت. کلاه آهنی را آوردند و روی سرم قالب کردند. و میله آهنی متحرکی را روی سرم فرود آوردند. میله بطور افقی از سقف پائین آمد و محکم روی کلاه آهنی ضربه زد. چند بار میله با لافرت و پائین آمد. فکر می‌کنم آنرا با یک دگمه و یا پیچ بالا و پائین می‌بردند. ضربه‌ها داشت



تا بیدار شده است نیروهای ضربتی امپریالیستها در پایگاههای نظامی در کشورهای تحت سلطه خود در منطقه مستقر خواهند شد تا ضمن رهبری سیاستها و عملیات ضد انقلابی رژیمهای مرتجع علیه جنبش خلقهای منطقه در صورت ناتوانی این رژیمها در حراست از منافع سرمایه داری جهانی مستقیماً وارد عمل شوند.

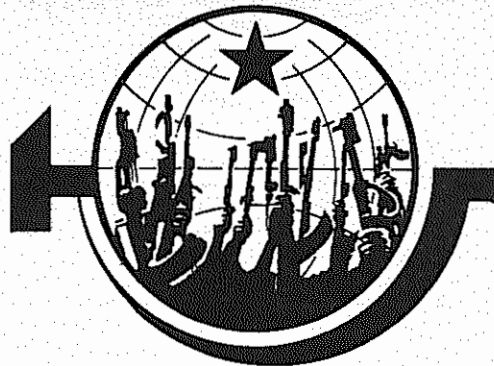
هفته گذشته اولین مرحله ما نورو واحدهای وابسته به طرح مذکور در آبهای منطقه و کشورهای عمان پایان یافته غیر از دولت دست نشاندگان سلطان قابوس که وقیحانه به وجود پایگاههای نظامی در کشورهای عمان اعتراف می کنند دیگر کشورهای ارتجاعی منطقه از ترس خشم و نفرت توده ها تا کنون رسماً موافقت خود را با این طرح اعلام نکرده اند. اما وزیر خارجه آمریکا اعلام داشته است که برخی از این کشورها بطور پنهانی از تشکیل چنین نیروی پشتیبانی کرده اند.

جبهه خلق برای آزادی عمان که رهبری مبارزات انقلابی عمان را بعهده دارد، هفته پیش ضمن فاشی مجدد ماهیت رژیم قابوس و سایر مرتجعین و دست نشاندگان امپریالیستها در منطقه که از چنین طرحی دفاع میکنند قاطعانه اعلام داشت که این اقدامات امپریالیستی نمی تواند ز رشد مبارزات انقلابی خلقهای منطقه سقوط حتمی رژیمهای ارتجاعی جلوگیری نماید. این جبهه ضمن تاکید بر ضرورت اتحاد انقلابی همه مبارزین ضد امپریالیست در منطقه خاور میانه، تصمیم خلل ناپذیر خود را به ادامه نبرد انقلابی تا سرنگونی رژیم قابوس مورد تاکید قرار داد.

## السوادور

### تداوم مبارزه تاپیروزی

هفته پیش جبهه آزادی ملی السوادور از ورود ۸۰۰۰ تن از سربازان مزدور آمریکا بی بهال السوادور جهت تقویت رژیم آمریکائی حاکم بر این کشور پرده برداشت. بنا به گفته انقلابیون این سربازان بعد از ورود به السوادور در یک مدرسه قدیمی اسکان داده شده اند. این اقدام در واقع قسمتی از برنامه کمک نظامی ۲۵ میلیون دلاری آمریکا به رژیم ارتجاعی السوادور است. بنا به اظهار ساکنان السوادور، رژیم آمریکا در تدارک یک تهاجم جدید علیه چریکهای انقلابی می باشد. هم چنین گفته شده که دولت مزدور تاربخ ۱۱ مارس را بعنوان مهلت تسلیم چریکها تعیین کرده است. بنا به همین گزارشات با نزدیک شدن سقوط رژیم حاکم، سفارت آمریکا لیسام آمریکا درس السوادور آشکارا به ستاد فرماندهی عملیات بیهوده در صفحه ۱۹



## جنبش جهانی

کارگری - رهائی بخش

برای استخراج معادن فسفات صحرا این منطقه راتحت اشغال خویش داشتند برمی گردد. مردم صحرا در آن زمان علاوه بر غارتگران اسپانیائی، با ژاندارمهای آنها در دوسوی صحرا یعنی موریتانی و مراکش نیز می جنگیدند. بدنبال ورشکستگی سیاست استعماری کهن و اجبار اسپانیا به ترک صحرا، هر یک از دولتهای موریتانی و مغرب که خود را وارث ارباب می دانستند ادعای مالکیت بر صحرا را نمودند. آنها بویژه با تکیه بر احصایات ناسیونالیستی خلقهای مغرب و موریتانی، تحریکاتی را نسبت به خلق صحرا آغاز کردند. در این میان جبهه پولیساریو با تکیه بر پشتیبانی خلق، حکومت جمهوری صحرا را اعلام نمود. علیرغم تلاش امپریالیست ها و محافل ارتجاعی تا کنون اکثر کشورهای آفریقائی و نیز کشورهای سوسیالیستی موجودیت این جمهوری نوپا را به رسمیت شناخته اند.

### جبهه خلق برای آزادی عمان

### علیه توطئه امپریالیسم نیروهای

### انقلابی رابه اتحاد فراخواند

بعد از شکست طرح آمریکائی پیمان باصلاح منیت خلیج، بر اثر رشد مبارزات انقلابی خلقهای منطقه و بویژه با سرنگون شدن رژیم شاه در ایران، که یکی از قویترین نیروهای شرکت کننده در این پیمان بحساب می آمد، امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا مجدداً تلاشهای توطئه آمیز خود را برای ایجاد یک پیمان مشا به در منطقه آغاز کرده است. بارزترین این اقدامات عبارت است از طرح استقرار نیروهای واکنش سریع توسط امپریالیسم آمریکا علیه خلقهای منطقه در خلیج فارس. بر اساس این طرح که از سوی امپریالیستهای انگلیس و فرانسه و سایر جبهه نواران

## پرو

### اعتصاب خونین کارگری در لیما

در جریان اعتصابی که از سوی کارگران پایتخت پرو - لیما بخاطر افزایش دستمزدها و هماهنگی سطح آن با افزایش قیمت ها و نرخ تورم و نیز در اعتراض به بالارفتن قیمت ارزاق و ما یحتاج عمومی و محصولات حاصل از نفت (پرو داری ناختر عظیم نفت است) صورت گرفت، یک دانشجوی ۱۸ ساله بر اثر مداخله پلیس جهت درهم شکستن اعتصاب کشته و سه تن زخمی شدند.

سرمایه داران و دولت های حامی آنان، از آنجا که هر حرکت توده ای را مانعی سخت در برابر تثبیت قدرت اقتصادی - سیاسی خویش می بینند و از آنجا که پیوند دانشجویان و کارگران و سایر زحمتکشان را در تعارض با حاکمیت سرمایه و موجب شکل گیری و رشد سیگرمبارزه توده ها میدانند، هنگامی که در برابر مبارزات انقلابی توده ها قرار گیرند برای حراست از حاکمیت خویش به انواع شیوه های سرکوب و فریب متوسل میشوند.

### مبارزه کارگران ژاپن برای افزایش

### ده درصد حقوق و کاهش مالیات بر درآمد

ژاپن - دولت سرمایه داران در ژاپن برای مقابله با زیانهای ناشی از بحران اقتصادی، هر روز بر میزان مالیات ها و قیمت کالاهای مورد نیاز مردم می افزایند. کارگران و زحمتکشان ژاپن که زیر فشار این بحران قرار گرفته اند، مبارزات اقتصادی خود را سازمان میدهند. هفته گذشته اتحادیه های کارگری ژاپن تصمیم به انجام یک سری گردهمایی ها و تظاهرات گرفته و خواستار ده درصد افزایش حقوق و کاهش مالیات بر درآمد ها شدند.

### پنجمین سالگرد تأسیس

### جمهوری دموکراتیک صحرای

### باختری

۱۸ اسفند ما دف بود با پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک صحرای باختری، توسط جبهه خلق برای آزادی صحرا، پولیساریو. سابقه مبارزات مردم صحرا به سالها پیش یعنی زمانی که غارتگران اسپانیائی مستقیماً

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش

سراسر جهان





### جمهوری اسلامی در بن بست جنگ

بقیه از صفحه ۱

مدت گران آنگار روسپان، در تدارک برتری آس نس میان این دودولت است.

ما طی چند ماه گذشته، مقالات متعددی را به بررسی مسئله جنگ، ماهیت، خلعت و اهداف آن، تا شیری که این جنگ بر زندگی توده های زحمتگشانی خواهد گذاشت اختصاص دادیم. ما از همان روزهای نخستین آغاز جنگ و دست در لطماتی که تپ و تاب شوینستی، توده ها را فرا گرفته بود و در گمراهی گمراهی شروع جنگ کرده ها دفاع طلب شده بودند. بر ما هیت ضد انقلابی و ارتجاعی جنگ تا کید کردیم. ما بتوده ها گفتیم که این جنگ نتیجه نیاسته ای ارتجاعی دودولت ایران و عراق، تضاد منافع بورژوازی دو کشور، و جاه طلبیهای آنجاست، ما از ترس انزوا، بفریب و تخمین جنگ توده ها متوسل شدیم، با آنها دروغ نگفتیم و بدنبال آنها راه نیافتادیم. امروز نیز با روشن شدن ماهیت جنگ و اهداف آن صحت تحلیلهای تمام تحلیلها نشی که آگاهانه یا نا آگاهانه توده ها هیت انقلابی جنگ ویا خلعت تدافعی آن از سوی ایران تاکید داشتند، بر هر کمونیست آگاه روشن شده است، البته بررسی مجدد این مسئله، امروز کوردن نقاط منفی و مثبت این تحلیل، تاکتیکها و شعارهای ما نیاز به یک بررسی جداگانه دارد که در آینده بدان خواهیم پرداخت. اما آنچه که تاکنون بر بسیاری از توده های میهن ما روشن شده است، همانا ما هیت ارتجاعی و ضد انقلابی این جنگ است، جنگی که ادامه آن بمدت ۶ ماه علیرغم نتایج بی اسفبار برای توده های مردم و دشواری روز افزون شرایط زندگی آنها، این نتیجه را بدنبال داشت که چشم و گوش آنها را بر روی بسیاری از واقعیتها گشود، توهامات آنها را نسبت به حاکمیت بمیزان زیادی زدود ما هیت ضد خلقی و ارتجاعی آنرا بعبینه توده ها نشان داد. مردم طی جنگ سیاست فریب و دروغ رژیم جمهوری اسلامی را در تجربه زندگی روزمره خود در یافتند. آنها کذب تمام ادعا های رژیم را در دفاع از منافع توده ها و اتکاء به آن ها با تمام وجود خود لمس کردند. امروز پس از گذشت نزدیک به شش ماه از آغاز جنگ، دیگر رژیم جمهوری اسلامی آن تقدسی را که برای توده ها داشت و آن احترام و ایمانی که در توده ها بر می نگیخت از دست داده است.

آز چگونگی ممکن بود نتیجه ای جز این بیابا و بدو چگونگی ممکن بود ما هیت این جنگ ارتجاعی و حاکمیت موجود بر ملا نشود؟ چگونگی جمهوری اسلامی یعنی رژیمی که پاسا در منافع سرما به داران است، رژیمی که می گوید با بهای خود را سرسکوب و اختناق استوار سازد، رژیمی که سیاستهای پیش از جنگ آن جز در خدمت ستمگران و استعمارگران و علیه کارگران و دهقانان نبود بر رژیمی که حلقه های تحت ستم ایران را بوشیانه برین سکن سرکوب می کند، نیروهای انقلابی را بزدان می زند، و شکر که می کند، به ترور و اعدام متوسل می شود، رژیمی که سلب حقوق و آزادیهای توده ها را نخستین وظیفه خود قرار داده است، و در عرصه سیاست خارجی به حمایت از ارتجاعی ترین نیروها می پردازد، چگونگی می توانست در جنگ این سیاست را با ما هیتی دیگر ادا مدد دهد؟ نتایج بر این در حین جنگ نیز همساستها ادا می یافت و توده ها از خنای آغاز جنگ سندیج پی بردند که این جنگ در جهت منافع آنها نیست. دولت حبسجویی اسلامی با آنها اعتقاد و اعتمادی ندارد، سلاح در اختیار آنها نمی گذارد، شکل های مستقل توده های را سرکوب می کند، زیست ترین ما راجح را سرکوب نموده ها انداخته است. بی دلیل نیست که علیرغم تمام تبلیغات رژیم به عهده کردن مسئله جنگ پس از مدتی کوتاه این مسئله عمده گی خود را در سطح جامعه از دست داد و توده ها خواسته های برخی خود را اعتراضی با این جنگ را پیش

کشیدند. امروز پس از گذشت نزدیک به شش ماه از آغاز جنگ، توده ها می بینند که این جنگ نمره ای جز کشتار، خرابی گزاشی، آوارگی بیارنیا ورده است. توده ها از خود می پرسند که برای این جنگ برای چه بود؟ چرا هزاران تن از هم وطنان ما کشته شدند؟ چرا شهرها و روستا های ایران شدند؟ چرا میلیونها تن آواره و در بدر شهرها شدند؟ چرا میلیونها دلار بجهت این تحمیلات امپریالیستی رفت؟

امروز توده ها به بیشترین می بردند که این جنگ ارتجاعی نه در جهت منافع توده ها بلکه در ارتضا د منافع سرما به داران ایران و عراق و دولت های نماینده آنها در گرفت، این جنگ نتیجه سیاستهای ارتجاعی، جاه طلبانه و ما راجویانه دودولت بود. جنگی بود که از طریق آن می با بست نیروی برتر منطقه در خلیج فارس تعیین گردید. همانگونه که ما در تحلیلهای قبلی خود نشان دادیم، هدف این جنگ سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ویا حتی الحاق خوزستان به عراق نبود، بلکه استراتژی عراق عبارت از این بود که با اشغال برخی از مناطق و شهر های مرزی ایران از موضع قدرت با رژیم جمهوری اسلامی مذاکره کند و نقش برتر خود را در خلیج فارس به رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران بقبولاند. تمام ادعا ها و دعای مرزی نیز تابع این اهداف و مقاصد بود. رژیم عراق پس از سقوط رژیم شاه و ایجاد خلعت قدرت در منطقه و متزلزل شدن موقعیت شیوخ مرتجع عرب در تدارک تا مین نقش رهبری خود در منطقه خلیج فارس بود. از سوی دیگر دولت عراق که با رشد روز افزون نسبا رفاهیتی توده ها با یک بحران روبرو می شد، بدین طریق می گویند که توجیه توده ها را از مسائل داخلی منحرف نماید و موج تا سونا لیم عربی را برانگیزد، تا موقعیت خود را مستحکم کند. بدین معنا با بدگفت که دولت ایران از همان آغاز جنگ شکست خورد و دولت عراق تا حد زیادی با اهداف خود دست یافت. رژیم عراق که به پیروزی هائی دست یافته بود، ادامه جنگ را بریزان خود میدانست. زیرا ادا ما جنگ فشار بر بردوش توده های عراق موقعیت اش را متزلزل می کرد. اینست دلیل اینکه چرا رژیم عراق سوازی جنبه های تبلیغاتی مسئله، پس از پیروزیهای نخستین خود، مدام از آتش بر، ملخ و مذاکره صحبت می کرد. در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی که با شکست مفتضحانه ای روبرو شده بود و در برابر توده های مردم حیثیت و موقعیت خود را در خطر می دید علیرغم اینکه هیچگونه میدی به پیروزی بر عراق نداشت و علیرغم اینکه بخوبی آگاه بود که با تداوم جنگ و فشار بر بردوش توده ها و تعمیق بحران موجود، موقعیتش بسیار روخیم خواهد شد، نمی توانست بی حیثیتی و بی اعتباری خود را با قبول شکست در میان توده ها بپذیرد و یا رژیم عراق به مذاکره پردازد. زیرا او اعتراف به شکست در جنگ با عراق، اعتراف به ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی، اعتراف به شکست آن، یا ن اسلامیم و جهانی شدن آن، اعتراف به ورشکستگی رژیم جمهوری اسلامی بود. بدین لحاظ پیش از آنچه که تصور میرفت جنگ طولانی شد. در این میان البته تضادهای درونی هیئت حاکمه نیز موثر بودند. سوی چند هفته آغاز جنگ، دیگر ارتجاعی تعرضی خبری نبود، و جنگ بصورت یک جنگ فرسایشی ادا می یافت. رژیم عراق برای بزانودن و زدن رژیم جمهوری اسلامی و وارد کردن آن به مذاکره، تاکتیک جنگ فرسایشی را به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل کرد و این جنگ یکسری رژیم جمهوری اسلامی را فلج کرد و سر انجام واداره مذاکره غیر مستقیم نمود. دیگر امید های رژیم جمهوری اسلامی بی اساس تبدیل شده است. ادا ما جنگ بروخامت اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه افزوده است. الزاماتش برتری طلب خود را در خلیج فارس و مراکز استراتژیک آن از دست داده است. رژیم جمهوری اسلامی در یک بن بست گرفتار شده است. از یکسو اگر بخواد هدیجک ادا ما دهد، از دون متلاشی خواهد شد زیرا دیگر قادر نیست توده ها را فریب دهد و جنگ ارتجاعی

### جنبش جهانی سالوادور

نظامی - سیاسی علیه حش خلق تبدیل شده است.

طی روزهای گذشته کمینه های وسیع دفاع از خلق ل سالوادور و انبای وطنه آمریکا علیه اس خلق ویا سرخلفهای امریکای لاتس در اکثر کشورها اروپائی تشکیل شد که به سبب سیاسی از حسن خلق سالوادور دست به راهیما نشی و تظاهرات مختلفی زدند.

### شیلی

دا استگاه در همه جای جهان تحسلسطه "سنگرادی" است

"دیگر هیچگونه سرکشی در دا استگاهها می ریشه مارکسیسم را در اینجا خشک می کنم." (ژنرال پینوشه)

کلمات قمار فوق از جمله را ارجحی است که سال گذشته پینوشه دیکنس نوجوانان شیلی بدنبال اشغال دانشگاههای پلی تکنیک و شیلی و بر کاردن دو ژنرال ارتش در اس موسات آموزش عالی برزیان را ند. اقدام کودتای فر هنگی علیه انتخاب پینوشه آنجان همراه با خشونت آغاز شده در آنجا هیچگونه عکس العملی از سوی دانشجویان صورت نگرفت. در سال این اقدام، هیئت هما هنگی دولتی که کار هیئت های به طلام با کسای بران را در دا استگاههای شیلی انجام میدهند، عهده دار تصفیه دا استگاه از وجود نیروهای انقلابی گردید و تعداد زیادی از دانشجویان را اراجرد کرد. اما دا استگاه این سکر آزادی در کشورها تحت سلطه، فضا ی خفقان آمیز پینوشی را نپذیرفت، بطوریکه در ماه اکتبر گذشته "کمیته برای دموکراسی" توسط دانشجویان دا استگاه فدریکو سانا مارا به عملا تشکیل و کلاسهای درس در اعتراض به ادا ما کارها سوان هیئت هما هنگی به تعطیل گنا شده شد. دانشجویان کمونیست که در ما زماندهی مبارزات دانشجویی نقش اساسی را ایفا می کنند طی ماههای گذشته، اعتراضات وسیعی جهت آزادی هم زمان دانشجویان خود نیز برگزار کردند ۴۲ تن از اراجحیان را از زمان دادند. در ادا ما بین مبارزات یک اعتصاب غذا نیز توسط دانشجویان صورت گرفت.

بدین ترتیب "سرکشی" (بخا و مبارزه) در دا استگاهها همچنان وجود دارد و در هیئت مارکسیستها که مذاقین دموکراسی و پرولتری اند مستحکم تر شده است و پینوشه آستانه سقوط نزدیک می خورد.

### فلسطین اشغالی

فلسطین اشغالی ۲۲۰۰ تن از خود را اینام جنگ انقلابی به توده ها تحمیل کند. هم اکنون خواسته ها و مبارزات توده ها همه چیز را تحت الشعاع قرار داده است بحران اقتصادی بسیار حاد شده است، اقتصاد دیکتاتور رژیم گران و ویکاری ایسا دسی بقه ای یافته است. در همین حال تضادهای درونی رژیم مرحله بسیار حادی رسیده است و از این لحاظ نیز این تضادها جنگ را تحت الشعاع خود قرار داده است.

از سوی دیگر اگر رژیم جمهوری اسلامی نخواهد با مذاکره به شکست خود اعتراف کند، خواسته های رژیم عراق را بپذیرد، آنگاه با رژیم با وضعیت دشوارتری روبرو خواهد شد، هنوز توده ها نشی که تحت فشار قرار دارند بخاطر جنگ ملاحظاتی می کنند و منتظرند تا جنگ تمام شود و آنگاه مبارزه خود را اشادت بخشد. جناحهای رقیب درون هیئت حاکمه نیز با یان یافتن جنگ شدیدان جان یکدیگر خواهند فتاد. اما یک واقعیت مسلم است. ادا ما جنگ بشکل فرسایشی موجود و یا بدین سرش آتش بس، هیچیک نمی توانند رژیم جمهوری اسلامی را از بن بست کنونی نجات بخشد. رژیم جمهوری اسلامی با ورشکستگی

آمریکای فلسطینی که در کرانه غربی رود اردن زندگی می کنند خاطراتش سون جنوبی خوسا با توجه به افراشی رور افرو سرج ما بحاج عمومی دست به اعتراض زدند. اعتراضی اس آوزگران ارسوی عموم مردم فلسطین سوزده اس آوزران و دانشجویان مورد حمایت فرا گرفته است. هفتکشته اس آوزران و دانشجویانی که به حمایت از صرا رات آوزگان دست به سطر هرات زده بودند با پلیس اسرائیل درگیر شدند. مبارزات اخیر امریکای سغوان یکی از سوزده های همواره علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل محاور با اشغال مازرات خلقی فلسطین، اسالگران صهیونیست را اسلکلات فراینده ای روبرو ساخته است. صهیونیستها علاوه بر اعمال حکومت نظامی در سرزمین های تحت اشغال خود، احرا در مقابل با حش انقلابی خلق فلسطین، تاکتیک استفاده از گروههای تروریستی غیر رسمی را شدت بخشده اس. از جمله اقدامات تروریستی این سندهای ساه، در هفتم گذشته حمله مسلحانه به دفتر آس خبی، ایسریس اس که احرا عربی را سراسر حبرگران خارجی مسفر در فلسطین اشغالی ترحمه می کند.

### کلمبیا و مبارزه انقلابی

به گزارش هفت ماهه کرا سالا رگان حزب کمونیست کوبا در ماه گذشته چریک های انقلابی در کلمبیا متکسسل از نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (F.A.R.C) و حش ۱۹ ژوئیل (M19) که بخاطر عملیات متهورانه اش در شهرها از جمله دست آوردن ۴۰۰۰ قضا سلحه از طریق تویل زدن به اسبا ر سلحه رژیم در اول ژانویه ۷۹، اشغال سفارت دومینکن در بوکوتا و... در سطح جامعه مطرح گردید، دامنه عملیات انقلابی خود را گسترش دادند. این اقدامات اکثر در جنوبی ترین منطقه کوربه و نوع پیوست گنه از آن میان مسوان اعدام چند ماور ارتباطی ارتش در منطقه CAQUETA از مناطی دوردست جنوبی را نام می برد.

در رابطه با این عملیات رئیس ارتش مردود کلمبیا، ژنرال فرناندو لاندزالی ادعا کرد که از این پس با نیروهای ضد چریکی تحت فرماندهی خود کمیسار ۳۰۰۰ سرباز گردا تها می ستند. در انقلابی تلاش بیشتری خواهد کرد. با اوج گیری مبارزات انقلابی، رژیم کلمبیا به اشغال نظامی مناطق نفت خیز (CANTAGALFOS, CASABE) در شمال غربی کشور مادت و وزید، علیرغم تمام ش قدرت نظامی در اطراف فلورنسیا، چریکهای انقلابی (M19) در ماه گذشته متوقف ساختن اتوسوس صافریزی، ضمن شردن اقدام ارس به تبلیغ مواضع حش برداخته و اسکند کردند تا پیروزی نهائی به مبارزه ادامه خواهند داد.

اقتصادی و سیاسی تمام عیاری روروست مدافعین این رژیم از جمله اکثریتنی های جناح راست که تا دیروز از ادا ما جنگ دفاع می کردند، او از مردم بخوانند که با رتن وسپا به ساداران بیبوندند و خود نیز در پیشگاه بورژوازی رژیم صدام انقلابی حاکم جنفرا نی تقدیم کردند، امروز فکرمسلح افتاد ه اس. اما زحمتکشان ایران و عراق بخوبی آگاهند که تا زمانیکه رژیمهای ضد خلقی و ارتجاعی بر این دو کشور حاکمند، تا زمانی که حق تعیین سرنوشت برای خلق عرب خوزستان تا مین نگردد، این صلح نمی تواند پایا و بادا و فرادا نیز محض اینک دولت شکست خورده موقعیت خود را مستحکم کرد و قدرتش بیشتر شد. دوبا ره جنگ آغاز می گردد. زحمتکشان میهن ما نه تنها پی چند ماه گذشته بمیزان زیادی پی به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و جنبش ارتجاعی آن بردند، بلکه اکثریتنی های جناح راست این دوستان دروغین خلق این خاشین به طبقه کارگران نیز شناختند و امروز دیگر هیچ معجزه ای قادر نیست رژیم محبوب آنها را از سقوط حش نجات بخشد.







# اخباری از: جنبش مقاومت خلق کُرد

بقیه از صفحه ۲۵

**جمعه ۵۹/۱۱/۲** - اشد عده‌ای از پیشمرگان به نیروهای سرکوبگر درون راد پستولویزیون حمله نموده که تیراندازی تا با مدا دادا مدا اشت از تلفات نیروهای سرکوبگر خلق کُرد اطلاعی در دست نیست.

**۵۹/۱۱/۲** - امروز در مناطق وسیعی از شهر پیشمرگان آزادانه میگردند و با مردم صحبت می‌کنند. مردم با شدت و جسارت بسیار از جنایات رژیم صحبت می‌کنند. تعداد قابل‌شماری از جوانان اکثریت حزب توده نیز مثل سابق همه تقصیرها را بعهده پیشمرگان می‌گذارند. ساعت ۱۷/۳۰ یک ماشین توپوتا زرد رنگ متعلق به سپاه پاسداران که از خیابان شهید عزیزیوسفی می‌گذرد به سمت کبیرکردن در برف مورد حمله پیشمرگان قرار می‌گیرد که بتفصیل آن کشته‌های زخمی شده و اسلحه آنها بدست پیشمرگان می‌افتد در همین روز یک ماشین ارتشی در بیل‌سوار رها گشته نزدیک محمدگان در کمین پیشمرگان می‌افتد که انفورسشن آن کشته‌های دستگیر می‌شوند.

ارتشیان و پاسداران مستقر در محاصرات، با دگان و تپه‌ها شا مجیدشهر را مورد حمله با ت خمپاره قرار میدهند که منطقه با زاریشتر از هر منطقه دیگر آسیب دیده است چندین مغازه در خیابان شاهپور و میدان منگوریکلی از بین رفته است و در مناطق دیگر شهر هم چند خانه ویران و عده‌ای شهید یا زخمی شده‌اند.

**یکشنبه ۵۹/۱۱/۳** - صبح ساعت ۹ یکی از پیشمرگان قهرمان کومله (رفیق سلیمان بلورین) که جهت برداشتن کالینبره ۵۵ ماشین توپوتا زرد رنگ (که دینور ویدان حمله شده بود) به ما تیشن نزدیک می‌شود توسط پاسداران مستقر در فرمانداری به او تیراندازی می‌شود و این پیشمرگه قهرمان شهید می‌شود. ساعت ۱۰ صبح پیشمرگان قهرمان کومله با سینه خیز به نزدیک ماشین توپوتا رفته و پس از مماندها کالینبره ۵۵ ماشین را منفجر می‌سازد. همچنین در این روز یک پرستار در زارفتی به بیمارستان زخمی می‌شود. از ساعت ۱۳/۳۰ اخباره با رانها شروع می‌شود تلفات امروز از هر روز دیگر بیشتر است جدها را در حیات منازل دفن می‌نمایند.

**روز ۵۹/۱۱/۶** - پیشمرگان فدائی به یک ستون پاسداران ارتشی حمله وارد می‌کنند که گزارش در کار ۹۷ به اطلاع خوانندگان رسد.

**سه شنبه ۵۹/۱۱/۷** - تیراندازی از

دیروز دادا مدا ردیک نفر کارگر شهرداری بنا مرحیم که دادای ۷ نفره تا سه بسود بعد از مراجعه به منزل بعالت ندا شتن هیچگونه آذوقه و نشا زندگی خود را آتش می‌زد و پس از چند دقیقه فوت می‌کند. این خودکشی تا شیرعجیبی بر همسایگان و مردم محل داشت.

**چهارشنبه ۵۹/۱۱/۸** - ساعت ۹/۱۱/۸ وقت آمدن در شهر از ساعت ۱۲ (ظهر) سختی صورت می‌گیرد چندین نفر در خیابان فرحما بی‌وسپله قتل‌عامی با مدخانیات مستقر می‌باشند زخمی و شهید شده‌اند.

**پنجشنبه ۵۹/۱۱/۹** - شب گذشته پیشمرگان نعت موجود در شرکت رابین مردم تقسیم کردند. این اقدام انقلابی پیشمرگان مورد تائید مردم قرار گرفت.

**جمعه ۵۹/۱۱/۱۰** - صبح شهر نسبتاً آرام است و بعد از ظهر تیراندازی شروع شد.

**سه شنبه ۵۹/۱۱/۱۴** - امروز صبح عده‌ای از مردم از طریق یک جاده فرعی از شهر خارج شدند و رفت و آمد از هر روز دیگر در شهر زیادتر است. در فوولی فرما شده سپاه پاسداران گفته است که تا ۲۲ بهمن با کسی کاری نداریم (جای تعجب نیست که کشتن افراد زیاد را فراموش می‌کنند) حتماً اینها کشتن می‌شوند و بعد از آن جهت پاکسازی به شهر می‌آئیم و در هر کجوه و یا محله‌ای که صدای تیراندازی بشنویم محله را با خاک یکسان می‌کنیم و برای این کار نیروی کافی از بسیج (که طبق ادعای سران جمهوری اسلامی برای جنگ با عراق بسیج شده‌اند) آورده‌اند. اما رکشته‌ها و زخمی‌ها تا امروز ۲۱ شهید و ۶۳ زخمی می‌باشد.

**چهارشنبه ۵۹/۱۱/۱۵** - از ساعت ۹ صبح عده‌ای پاسدار طبق معمول به چهارراه مولوی آمده و یک ماشین زیل و تانک ارتبه زاشا مجیدیا تین آمدند. پیشمرگان حزب دمکرات که قصد حمله به آنها را داشتند به سمت رفت و آمد مردم و برای جلوگیری از کشته شدن مردم بی دفاع از اینکار صرف نظر کردند.

**پنجشنبه ۵۹/۱۱/۱۶** - ساعت ۹ صبح ریو ارتشی که از تپه با لای تلویزیون پائین آمده و همراه با یک جیب کبیر کرد متعلق به سپاه پاسداران که سرنشینان آن عبارت بودند از دزفولی فرمانده سپاه پاسداران و یکی از مسئولین سپاه و دو نفر دیگر در چهارراه آزادی به کمین پیشمرگان حزب دمکرات می‌افتد که جیب شهاب زدر را با ما ت با مین منفجر می‌شود و سرنشینان آن زخمی می‌شوند چند لحظه پس از این واقعه تا ساعت ۱۰ بعد از ظهر منطقه خیابان شاهپور جنوبی - اطراف چهارراه مولوی کوچک خا نقا و محله ارمنیان بوسپله خیمه‌ها و توپ و کلوله با ران می‌شود. رادیو ماها بدر ساعت ۱۳ اطلاعاتی از ستاد مشترک ارتش و پاسداران بخش می‌کند مبنی بر اینکه "از هر منطقه و کجوه به تیراندازی شود آن منطقه را با سلاح سنگین شدیدترین وجه می‌کوبیم."

**شنبه ۵۹/۱۱/۱۸** - از ساعت ۹ صبح تا ۱۲ ظهر پیشمرگان قهرمان حزب دمکرات در چهارراه آزادی مستقر شدند و بقیه پیشمرگان بعضی با اسلحه و

عده‌ای بدون اسلحه در شهردیده می‌شوند در شهر عده زیادی از مردم محبست از نظرات روز قبل سازمان در تیران می‌کنند و این موضوع به یک بحث روز تبدیل شده است.

**یکشنبه ۵۹/۱۱/۱۹** - مدا دادا امروز مردم بقیه نعت و گا زونیل شرکت نعت را ممانده می‌کنند این اقدام پس از تیراندازی متوقف می‌شود پس از اینکه هوا تاریک می‌شود دوباره مردم بسوی شرکت نعت می‌روند و بقیه نعت و گا زونیل را ممانده می‌کنند.

**روزهای ۲۲ تا ۲۴ بهمن** هیچ اتفاق مجزا از روزهای قبل ندا اسپاست توبه‌نا مه و تسلیم رژیم با شکست مواجه شد.

**روز ۵۹/۱۱/۲۴** - یک نفر روستای از اهالی روستای پوسفکنده یک قبضه اسلحه کلاهی تکف در نزدیکی روستا ممانده و دستگیر شد.

**۵۹/۱۱/۲۵** - ارتشیان و جاشمرگ‌های مسلمان به خانه‌گردی در محله هشت متری پرداختند. شما کسی خانه‌ها با دقت زیاد تفتیش شدند و از خانه‌ها با استفاده از اسلحه مخصوص یک کلاهی سربازی پیدا می‌کنند و ممانده و راه متهم به کشتن یک سرباز می‌مانند و او را دستگیر می‌نمایند. خانه‌ها شیکه درب آن بسته و کسی در خانه نیست با کلوله و تخریب درب منزل را با زمی‌کنند و به با زسی می‌پردازند. همچنین روزهای ۲۶ و ۲۷ اسفند محله‌های ارمنیان و میدان حیوانات مورد پیسورشی سرکوبگران خلق گردید و گرفت و خانه‌ها با زسی شد و به اصطلاح خودشان با پاکسازی شد.

**روز ۱۴ اسفند** اسناد را در با بجان غربی از مردم ما با دعوای گردگه برای استماع یک سخنرانی مهم در مقر جاشها (اداره غله) حضور یافتند. مردم با آما دگی روحی در این مراسم شرکت نمودند و چنان تودهنی به اسنادار زندگه دیگر بفرقیب مردم نباشد. گزارش آن جداگانه تحت عنوان درود بر مردم قهرمان ممانده آمده است.

تکذیب خبر مندرج در روزنامه‌ها اطلاعات ۱۶ اسفند ۵۹

روزنامه‌ها اطلاعات ضمن خبری تحت عنوان "۲۲ مسلح غیرقانونی تسلیم شدند" بشبه همیشگی هر روزان و جیره - خوران سرما به خبر دروغی منتشر نموده که گویا ۲۲ زندانیان خلق خود را به سپاه پاسداران مستند معرفی کرده‌اند. ما ضمن تکذیب این خبر جعلی اعلام می‌کنیم که فدائیان خلق با اراده‌ای، تزلزل ناپذیر به مبارزه برای حقوق عادلانه خلق گردانده شده‌اند و این خبر دروغ که برای بی‌اعتقاد کردن مردم به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ممانده و اجزای از توطئه دستگه حکومتی برای بی‌حیثیت نمودن سازمان میدانم البته در این راه احمقانه کمین‌های اکثریتی‌های منشعب از سازمان بر خورده‌اند.

## اعتصاب کارگران...

بقیه از صفحه ۳

خود از حداقل ما بختاج زندگی بی‌بهره باشند تا آنها به زندگی آسایشی و انگل و برخورد همچنان ادامه دهند.

احمدزاده وزیر مشاور وزیر بر سر صنایع فولاد هنگامیکه با کوره بلند به محاصره کارگران ساختمانی درآمده بود گفت: "اگر کسی کارگرانی را برای ساختن خانه‌های اجیر کند، پس از نام کار آنها را در منزل خود کند نخواهد داشت. در مورد ذوب آهن هم تصمیم می‌گیریم. او که مجبور شده بود در جلده مشترک شوراها نیز شرکت کند گفت: "شوراها غیرقا شونید، بخصوص شوراها صنایع فولاد و ذوب آهن. احمدزاده نیز بدین ترتیب علاوه بر اینکه دشمنی رژیم جمهوری اسلامی را با کارگران و شوراها نشان داد، آشکارا کارگران ساختمانی را که خواهان رسمی شدن هستند تهدید به اخراج کرد.

کارگران زحمتکش ذوب آهن اصفهان همچون سایر کارگران ایران هر روز که می‌گذرد بی‌تربیتی می‌بینند که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها ممانده و مانع آنان نیست، بلکه در هر فرصتی که می‌یابد به اعمال کردن حقوق حقه کارگران و مقابله با خواسته‌های بسز حقتان می‌پردازد.

بخشی از خواسته‌های عمده کارگران ذوب آهن که آشکاران قهرمان نیز به خاطر آنها دست به اعتصاب یکتا عتبه زندانبندان ترتیب می‌باشد.

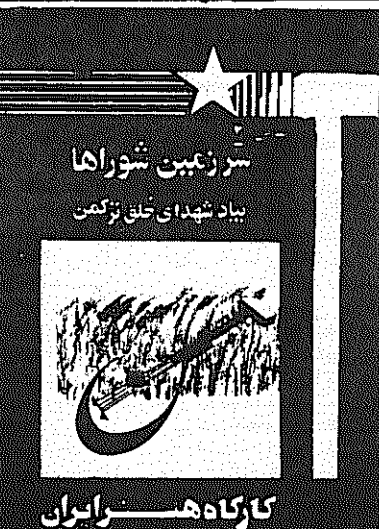
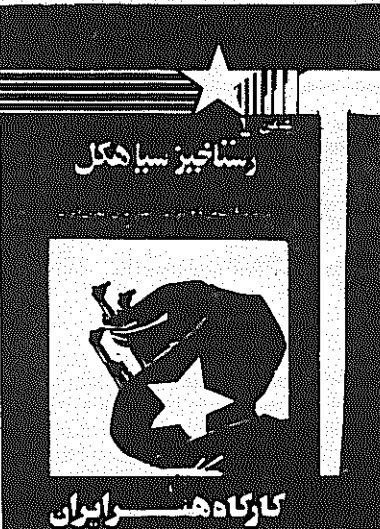
۱- لغو طرح طبقه‌بندی مشاغل سابق که منفع سرپرستان و مهندسیان عالی مقام تهیه شده بود و جایگزین کردن طرح عادلانه‌ای که منافع کارگران را مدنظر قرار دهد.

۲- باده کردن طرح واقعی سختی کار که برخلاف قولهای داده شده تنها کنون انجام نگرفته است. کارگران می‌گویند: "این طرح را برای سعد از مرگمان نمی‌خواهیم."

۳- دریافت دفتر خدمات درمانی ۴- اضا مه کردن سطح حقوق کارگران از مرکز

۵- بخش گزارشات و فیلم‌های مستند و واقعی از خطر تولید در رادیو و تلویزیون تا تبلیغات زیاد که در مورد ضرر دادن ذوب آهن می‌شود افشا کرد.

## کارگاه هنر ایران در اشاعه هنر انقلابی تقدیم میکند



این نهادها و برخوردها تا آنجا که ممکن است به شکل خادی سروریکرده و انرژی نیروهای سیاسی در یک کار انقلابی متشکل شده و نیرو معتقد به حل سیاسی اختلافات بین نیروهای درون جنبش دمکراتیک خلق گردیده‌اند. موز این اساس ما ضمن اینکه با اتخاذ سیاستی از مواضع اخیر رفقای بی‌کار نیز سزاوار جنبش مقاومت و نیروهای سیاسی شرکت کننده در آن و نحوه تبلیغات رفقای بی‌کار موافق نبوده ایم اقدام افراد مسلح حزب دمکرات کردستان ایران را شدیداً محکوم نموده و ضمن بزرگداشت خاطر رفقای شهید بی‌کار خواستار آنیم که:

- ۱- پیشمرگان و افراد سازمان بی‌کار که در زندان حزب سوسیالیست زندانی شده‌اند و اسلحه‌ها را با خود نگرفتند.
- ۲- در صورتیکه اقدام پیشمرگان حزب و افراد بدون دستور مسئولین حزب بوده است، مسیبن این اقدام ضد دمکراتیک محاکمه و مجازات شوند.

## حمله به مقر پیکار...

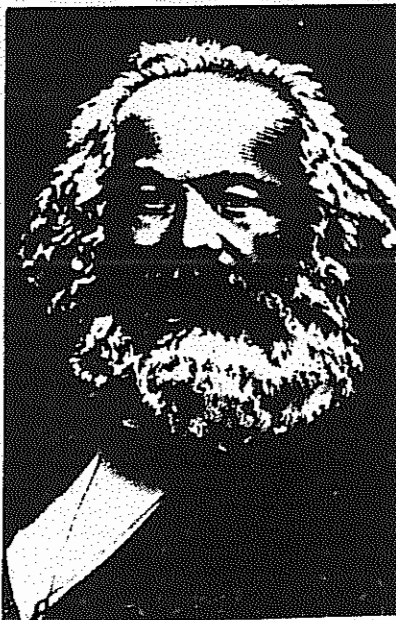
بقیه از صفحه ۴۰

سرنوشت خود را بدست نیروی بسیار تند که کنترلی بر روی نیروی مسلح خود ندارد و اگرو مع سیمس موال نیست رود مردم چگونه می‌توانند مطمئن باشند که هر فرد مسلح خود را محق به اجرای هر عملی نداند. همچنین این اقدام ضد دمکراتیک عملانوسدسپاهای رژیم جمهوری اسلامی و نیروی سوسپاهای بی‌کار رنگ مدافع این رژیم که در مدد سنی حیثیت کردن مفاومت نیروها را به خلق کرده‌اند سناحوا عهده‌ود. دفتر سوزکان سازمان طی اطلاعیه‌ای این اقدام حزب دمکرات را شدیداً محکوم نموده است. در قسمتی از این اطلاعیه چنین آمده است:

موضعا در مجال سرخوردگی بین نیروهای شرکت کننده در جنبش مقاومت تا کنون برای اصل اسوار نبوده‌کنه

# کردستان، کردستان، پاینده باد عزمت - پیروز باد روز مت

# ۱۴ مارس سالروز درگذشت کارل مارکس بنیانگذار کمونیسم علمی



۱۴ مارس (۲۱ اسفند) سالروز درگذشت پرومته دوران ما، یکی از برجسته ترین چهره های تاریخ بشریت کارل مارکس بنیانگذار کمونیسم علمی و علم رهایی پرولتاریاست.

کارل مارکس نابغه ای کوه شالوده تئوریک منجمد و مستحکم برای جهان بینی طبقه کارگران است. او دویست و نهمین بار رسالت تاریخی و نقش دورا نماز طبقه کارگران نشان داد. با بنیان گذاری ما تریالیسم دیالکتیک و تاریخی، کمونیسم علمی، کشف قوانین حاکم بر تکامل اجتماع، تحولی ژرف در تاریخ تفکر اجتماعی و برای تیک انقلابی پدید آورد. کارل مارکس آموزگار رکیب پرولتاریا، نظریه پرداز زو ما زنده جنبش انقلابی طبقه کارگر در ۵ ماهه ۱۸۱۸ در تریس شهر درکنا رودخانه راین آلمان متولد شد و در ۱۴ مارس ۱۸۸۳ در لندن درگذشت او در سراسر زندگی سیاسی مبارزاتی خود تنها یک تئوریسیست برجسته طبقه کارگر بلکه ما زنده مبارزه انقلابی جنبش بین المللی طبقه کارگر بود. کارل مارکس که فعالیتهای انقلابی خود را از آلمان آغاز نمود، در جنبش انقلابی اروپا در سالهای ۴۹ - ۱۸۴۸ بویزه در آلمان و در مبارزه طبقاتی در فرانسه شرکت کرد. او فعالانه در راه شکل گیری جنبش کمونیستی جهان و جنبش بین المللی طبقه کارگر مبارزه کرد و در اتحادیه کمونیستها شرکت کرد و با تفاق رفیق همزمیش انگلس، مانیفست حزب کمونیست را که چکیده نظرات مارکس و اصول اساسی جهان بینی پرولتری و برنا و مائو و تاکتیکهای کمونیستهاست تدوین کرد و سپس فعالانه در راه پایه گذاری انترناسیونال اول مبارزه نمود. نظرات مارکس که محصول تکامل "فلسفه جریانه عهده فکری قرن نوزدهم" فلسفه کلاسیک آلمان، اقتصاد سیاسی و کلاسیک انگلستان و سوسیالیسم فرانسه بوده در بطن مبارزه طبقاتی و در مبارزه با انواع و اقسام سوسیالیسم خنجر شده بورژوازی بصورت یک سیستم منجمد در زمینه اقتصاد سیاسی، ما تریالیسم فلسفی و سوسیالیسم علمی بدون شک در بهترین مارکسها رکنیست ما دیده شد که "تئوری و برنا مه جنبش کارگری همه کشورهای متقدم جهان است" (لنین)

صحت درستی نظرات و آموزشهای مارکس در برابر تیک اجتماعی آزموده شد و تجربیات جهانی با قدرت هر چه

## ★ درود بر مردم قهرمان مها باد که در مقابل سرکوبگران خلق کرد حماسه می آفرینند

از او خریدیم تا کنون مردم قهرمان ما با دبا روحیه ای در خورستایش در مقابل شلیک خمپاره های پاداران ارتش ضد خلقی مقاومت میکنند، روحیه و شور مردم مبارزه با دبا توجه به کیفیت پائین سازماندهی نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد و ممنوع عمده مبارزه خلق کرد در شرایط کنونی در حدیست که هر بنا ظرحنه های این مقاومت شورا نگیزرا به ستایش و امیسا رود. مردمی که در محارمه شدیداً قتلها را کمبود سوخت، مواد غذاشی و... روبرو هستند، مردمی که در مقابل خواستی عادلانه گلوله دربارفت می کنند مردمی که هر روز با هدشاهت فرزندان و خلق دلاور کرد هستند، این مردم با همه فشارها و سرکوبها با زهم مقاومت میکنند و مقاومتی که بلاشک ما هر چه طوطیهای نمیتواند در فراموش شود، حماسه های گشته در شکست احتمالی اش منشا نیرو و انرژی انقلابیست. سرکوبگر هر صحنه اش یک شمر حماسی است. مردم را خورده ای را تصور کنید که در مقابل قول قرارهای استناد را در بیجان غربی مبنی بر اینکه در صورت محارمه میت مردم از پیشمرگان دولت محارمه اقدامی را میکنند و به شما نفی میدهد، حق سوز کارمندان را میدهد، ما با بیعت جنگ رسیدگی میکند یا سخ میدهد؟ آقایی استناد را شما اشتباه میکند، شما ما را نشاندهاید، شما فکر میکنید ما فرزندان را به چند لیتر نفت و چند کیلو قند می فروشیم، شما فکر میکنید ما قدرت تحمل گرسنگی و سرما را نداریم، شما از ما برادرفروشی و فرزند فروشی دراز چندان حقوق عقب افتاده می خواهید، شما فکر میکنید در جای که برادران و فرزندان ما در گوهشتها با سرما شب را صبح می کنند ما ما صریح آنها را با نفت و گاز روشن و قند شما بفروشیم، اشتباه میکنید؟ یا استناد، نزدیک یک کلمات این مرد را بخورده و در سیمای برافروخته و پراحسان و مهر و محکمیت رژیم جمهوری اسلامی و هسته دشمنان خلقهای ایران که شده است و اگر هر هم قادی به جسم به این همه فشار نیست بدون شک یک گزارش خبری نمی تواند در راهی از آنچه در ما با دمی گذرد بیان کند. استناد را در بیجان غصه بیهوده تلاش میکنند تا حمایت این مردم را نسبت به جمهوری اسلامی جلب کنند. استناد را در بیجان غربی به مردم وعده داده که ما با دبا برای شما یک دانشگاه اسلامی بسازیم و مردمان سال با جهره ای شکسته و چشمانی عمده گفت آقایی استناد را ما مورین دولتی قلم استونهای این دانشگاه را بنا کرده اند و شما باید آنرا تکمیل کنید. استناد را با تعجب گفت من نمیدانم که چنین اقدام مثبتی شروع شده است لطفاً محلی که پایه های دانشگاه اسلامی ریخته شده به ما نشان دهید. مردم ما سال جواب داد: "ستونهای آن دانشگاه به اصطلاح اسلامی شما در اندر قاش با اجساد برادران ما ساخته شده و شریک شما ملاحظاتی باید آنرا به ما مبرسانید" و بدین ترتیب ما مفریبی های استناد را که با کمک او اداران توده ایها، اکثریتی ها و گروه ۷ نفره منتصب از حزب دمگراتا تاید میشد با خشم و نفرت مردم ما با دباقتش برآب شد.

بقیه در صفحه ۱۹

به جستجوی راههای دیگری برای خود افتادند، شکل ها و انگیزه های مبارزه تفهیر کرد ولی مبارزه ادامه یافت. با بین ترتیب نیم قرن دوم موجودیت ما رکنیست ما لهای (نود قرن گذشته با مبارزه جریانه ضد ما رکنیستی درون ما رکنیست ما زگریدید، ما رکنیست و ریویزیونیسم). دشمنان ما رکنیست "به لیا س ما رکنیست" در آمدند، تحریف نظرات ما رکنیست در درون ما رکنیست آغاز گردید و ریویزیونیسم در ما رکنیست با برشتین قدم بعصره گذاشت.

"دیا لکتیک تاریخ چنان است که پیروزی ما رکنیست در رشته تئوروی دشمنان او را واداریم تا بیکه بلیاس ما رکنیست در آید. لیبرالیسم میان بوسیده گوش می کنند شکل ا پورتونیسم سویالیستی خود را احیا نماید... با جین و ترس "صلح اجتماعی" (صلح با برده داری) و چشم پوشی از مبارزه طبقاتی و غیره را ترویج می کند. این در میان عمال پارلمانی سویالیست و انواع بشت میز نشین های جنبش کارگری و از روشنفکران "سمای تیزان تعداد دکتوری طرفدار دارند" (مقدرات تاریخی آموزش کارل مارکس - لنین) پس از برشتین، گاشونکی و سپس خروشف بشیوه های ظریف تروپوپیچیده تری به تجدید نظر در ما رکنیست پرداختند. ما رکنیست - لنینیسم در مبارزه علیه تحریفات و دستبردهای گوناگون آبدیده ترا میدان مبارزه بیرون آمد. اکنون ریویزیونیسم می گوید که با تا ثید لفظی ما رکنیست - لنینیسم جوهر انقلابی اش را از آن بگردود. در آموزش مربوط به مبارزه طبقاتی به تجدید نظر پرداختند و انقلاب پرولتری قهر آمیز، دیکتاتوری پرولتری، و هو مونی پرولتاریا را در انقلاب نفی کردند. دشمنان ما رکنیست - لنینیسم در ایران حزب توده و اکثریتی های جناح راست، این عوامل و یا دی بورژوازی در جنبش طبقه کارگر که خود را بلایس ما رکنیست در آورده و سوسیالیسم خورده بورژوازی و ارتجایی خود را بنام ما رکنیست خلق می زنند، ما گسردان برشتین ها، گاشونکی ها و خروشف ها هستند، آنها دشمنان ما رکنیست در لیا س ما رکنیست اند. در جهت تحمیق توده ها و طبقه کارگر ما مبرمیدارند، کارگران را به سازش و فرما نبرداری از بورژوازی دعوت می کنند. به عوطف صلح اجتماعی می پردازند، منافع اساسی پرولتاریا را فراموش کرده اند، جوهر انقلابی ما رکنیست را که ما ناگذار قهر آمیز و دیکتاتوری پرولتاریا است در عمل نفی کرده اند. با پذیرش تیز ریویزیونیستی راه رشد غیر سرما یسه داری هژمونی پرولتاریا را نفی کرده و سوسیالیسم تخیلی ارتجایی را جایگزین سوسیالیسم علمی نموده اند. ما کمونیستهای انقلابی ایران آموزشها و نظرات انقلابی ما رکنیست را در میان طبقه کارگر و توده های زحمتکش تبلیغ و ترویج می کنند تا سرانجام این دشمنان ما رکنیست - لنینیسم را که "تلیسای ما رکنیست" در آمده اند از پای در آورند. \*

بقیه در صفحه ۱۹

و این خواست بحق و منطقی مردم بوکان و سایر کردستان یک خواست منطبق بر شرایط کنونی جنبش دموکراتیک خلق کرد می باشد که هر نیروی مسئول و مدعی هواداری از دموکراسی باید بدین خواست مردم و قاعدا احترام گذاشته و از هرگونه حرکت خود بخودی و یا اگاهانه در جهت تضعیف شرایط دموکراتیک در مناطق تحت کنترل پیشمرگه در کردستان جلوگیری کند. ما تشکیلات بوکندان حزب دموکرات کردستان را بین اقدامات و اقدامی ناخواسته تلفی نموده و آنرا عکس العمل طبیعی نیروهای مسلحش در مقابل تبلیغات سازمان پیکار علیه حزب دموکرات می دانند. در حالیکه این استدلال این سوال مهم را بوجود می آورد که چگونه مردم میتوانند

نیروهای شرکت کننده در جنبش دموکراتیک خلق کرد از درگیریهای درونی دوری جست و انرژی خود را در کارهای فرعی تلف ننمایند. عهدهای از افراد حزب دموکرات کردستان ایران در بوکان در تاریخ ۱۲/۷/۵۹ با سلاح سبک و سنگین به مقراسا زمان پیکار حمله نموده که در نتیجه به نفع زرقای پیکار رشید، عدهای دستگیر و حتی چند از طرفین مردم عادی زخمی شدند. این اقدام ضد دموکراتیک و تا سفا انگیز حزب دموکرات موجی زتاسف و تاثر بر مردم مبارز بوکان بوجود آورد. مردم مبارز بوکان در برخورد های اولیه بطریق موضع گیریهای متفاد و تدابیر نکته که نیروهای سیاسی شرکت کننده در جنبش مقاومت نشان دادند هم به درگیریهای مسلحانه پیروزانند عقیده بودند.

## حمله به مقر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در بوکان را شدیداً محکوم می کنیم

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با تمام توان خود به سرکوب خلق کسرد می پردازد، در شرایطی که مردم قهرمان کردستان علیه غم فشا را شیکه بر آنجا وارد میشود تمام نیروای پیشمرگان جنبش مقاومت خلق کرد پیشتیا سنی و حمایت می کنند و طبعاً انتظار دارند که

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر